

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱

جلسه: ۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.

راجع به آن حدیث سهو هم که فرمودید که مراد سهو در نماز نباشد مطلق سهو باشد احتمالش هست من فکر می‌کنم شاید عمار ساباطی مثلی که ابوبصیر به قرینه سنخیت که اگر بخواهد نافله جبران سهو نماز بکند و منشأ قبول بشود باید یک سنخیت با فریضه داشته باشد و لذا می‌شود فریضه من فکر می‌کنم لا اقل این جوری فهمیده حالا غیر از آن سهو نمازی که عرض کردم، این مختصرش مفصلش جای دیگر، این راجع به این قسمت.

ماند راجع به این حدیث دیگری که از عمار که عرض کردم حالا من چون جواهر را نگاه نکردم ایشان می‌فرمایند در حدائق جواب داده، چون من حاج آقارضا را نگاه کردم بعید است که این‌ها، مثلاً یا آقای خویی را هم نگاه کردم ایشان هم فرمودند تعارض دارد تناقض دارد در این مستند جلد شش و آخر جلد شش ایشان متعرض،

س:

۱:۰

را دوباره که نگاه کردم، گفتم دیشب گفتید که قابل

ج: واضح است

س: قابل دفاع نیست، این واقعاً آری اجحاف شد در حق‌شان باید عذرخواهی کنیم که ثبت بشود روایت را نگاه کردم که خب روایت

ج: باب وسائل می‌خواهید بیاورید ابواب خلل باب ۳۲ حدیث شماره ۱ و ۲ یک مال معاویه است دو مال ایشان است.

س: بعد دیدم مرحوم صاحب حدائق ضمن این‌که ایشان اشاره می‌کند به آن مناقضه‌اش و تناقضش بعد جواب می‌دهد که در این‌جا،

ج: نه اولاً بنویسید بخوانید کامل عبارت

س: من عبارت صاحب حدائق را می‌خوانیم

ج: بلی،

س: و هذه المناقضة فی الخبر قد اوردها جملة من مشايخنا المحققين من متأخري المتأخرين، دیگر تا آن‌چه معلوم است دیگر من نمی‌گویم و یمكن الجواب عنه

ج: البته عرض کردم این‌ها ملتفت یعنی مثل صاحب حدائق چون این بحث‌های که ما به اسم فهرستی توجه نکردند که مرحوم شیخ طوسی یا صدوق نیاوردند آن‌ها هم در حقیقت مشکل داشتند البته مشکل شاید سر خود عبار بوده به خاطر فتحی بودن،

س: حالا تناقض را می‌خواهد جواب بدهد

ج: بلی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲

جلسه: ۴

- .....
- س: و يمكن الجواب عنها بانه لما استفيد من السؤال الاول ان السجود السهو انما هو بالاتيان بالقيام كملاً في موضع القعود و بالعكس
- ج: كملاً از كجا؟
- س: نوشته كملاً
- ج: خب بخوان، البته اين كملاً بايد خوانده بشود
- س: حال كملاً
- ج: بلى عربياً كملاً موكملاً كملاً
- س: كُمل يعنى خيلى كامل
- ج: جمع كامل، ليكن اين بحث اين است كه از كجا اذا اردت ان تقعد فقممت كجا دارد كه كملاً كملاً توش
- س: قُم ديگر، خب ظاهرش اين است قُم ديگر
- ج: نه اين كه قيام كامل، چون اين در قيام كامل نه نگاه كنيد اصطلاح شان اين است مثلاً مى خواست براى تشهد بشيند بلند شد بعد سبحانيات را گفت بعد به ركوع رفت يعنى در كل قيام يادش نيامد قيام كملاً اما اگر بلند شد يادش آمد تشهد نكرد، مى شيند
- س: بالاخره قيام
- ج: اما اگر قيام كرد كملاً رفت به ركوع ديگر نمى نشيند به نماز ادامه مى دهد، فرقش اين است اصل يك چيز است قيام كملاً چيز ديگرى است خب واضح هم هست دقت مى فرماييد،
- س: از اين جا هم بخوانم حاج آقا
- ج: حالا بخوان، نه مى خواهم ايشان اين قيد كملاً را از كجا آورد
- س: اين را از باب صحت سلب اگر ناقص باشد كه قيام بهش نمى گویند
- ج: چرا ديگر اذا اردت ان تقعد فقممت
- س: نه ديگر وايستاد
- ج: وايستاد
- س: چيزى هم نگفت دوباره نشست
- س: اين كملاً است ديگر
- ج: حتى گفت حتى يكي از سبحانيات را گفت بر مى گرده بشيند فتوى به اين است كه قبل از ركوع برگردد بشيند خب،
- س: قيام كامل شد
- ج: نه كامل نشد، باز دو مرتبه بلند مى شود مى ايستد خب
- س: صحت سلب كه ندارد
- س: نه حالا منظور اين كه
- ج: اين سجده سهو مى خواهد بگويد دارد

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳

جلسه: ۴

س: یعنی بدن مستقیم القامه شده

ج: ذکر هم گفته، ذکر رکوع تسبیحات را هم یکش را گفته یادش آمد بر می گرده، می شیند تشهد می خواند باز بلند می شود

س: کمالاً بودنش منافات ندارد که

ج: نه کمال که نشد کمال آن است که برود به رکوع هنوز به رکوع نرفته که

س: قیام وقتی که مستقیم القامه کمال است دیگر

ج: نه خب این که ایشان می گوید کمالاً دیگر نمی خواهد

س: حالا این را پشت اجازه بدهید معلوم می شود

ج: حالا بخوانید

س: نقطه مقابلش را می گوید

ج: بفرمایید

س: انما هو بالاتیان بالقیام کمالاً فی موضع القعود و بالعکس سئل ثانیاً وقتی تو سؤال این بود سئل ثانیاً بانه لو ذکر قبل ان یأتی

بشیء من القیام بالکلیه قبل از این که فقط یک حرکتی شاید کرده باشد برای قیام او یفعل شیئاً مطلقاً این جا چطور، اجاب علیه السلام

بانه لا سجود

ج: اصلاً خلاف ظاهر است قطعاً باطل است،

س: حالا عبارت حدیث را بخوانیم عین همین است،

ج: بعداً قطعاً خلاف،

س: ببین عبارت حدیث را بیاورید

ج: اصلاً ما روایت داریم اصلاً این بحثی در بحث به اصطلاح قاعده فراغ و تجاوز دارد که اگر نیمه خیز شد هنوز بلند نشده

برگرده سجده را انجام بدهد هنوز محل فوت نشده

س: و عن الرجل

ج: بخوانید

س: اصلاً پایان سؤالش همین است

ج: بخوانید

س: و عن الرجل اذا اراد ان یقعد فقام ثم ذکر من قبل ان یقوم اصلاً گفته دیگر، ثم ذکر من قبل ان یقوم یعنی قیامی صورت نگرفته،

س:

۱۰: ۵

س: لا، یقوم

ج: یقوم نیست یقدم شیئاً

س: لا یقوم این یقوم است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۴

جلسه: ۴

ج: نه آقا یقدم الشئ النص لیقدم

س:

۱۸: ۵

ج: او یحدث شیئاً معلوم می شود ایشان بد فهمیده

س: شاید نسخه آری قبل آن بوده، همان یعدم او یحدث

ج: پس این نسخه را عوض کرده نه این که بگوییم توجیه کرده

س: نه نه

ج: یقوم شیئاً یعنی چه؟

س: نگاه کنیم این را اگر نسخه چاپی اش هم باشد ببینیم بد نیست این یقوم

ج: نه یقدم شیئاً دیشب هم

س: ثم ذکر این شیئاً مفعول آن ذکر است، ذکر من قبل ان یقوم شیئاً

ج: چه است؟

س: همان یقدم

ج: یقدم شیئاً

س: خود چاپی یقدم تو خود چاپی اصلش

س: قبلش اراد ان یقوم فقام

ج: فقام

س:

۵۱: ۵

ج: خود حاج آقا رضا هم توجیه کرده لیکن این توجیه ها بدتر می کند حدیث را توجیه نمی کردند بهتر بود،

س: چون این عبارت نسخه را باید دید اگر قبل ان یقوم باشد

ج: اصلاً یقوم شیئاً یعنی چه؟

س: نه منظورش نه شیئاً

س: تو کافی نیست که این،

ج: نه در تهذیب است

س: نه شیئاً مال ذکر است،

س: تهذیب آقای

ج: یعنی چه ذکر شیئاً

س: ذکر شیئاً

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه‌شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۵

جلسه: ۴

ج: یعنی چه ذکر شیئاً

س: یعنی یادش آمد یک چیزی یاد افتاده که باید حالا

ج: شیء که معلوم است این جا نه به شوخی

س: عبارت این است اقام ثم ذکر

س: ثم ذکر

س: بعد از قام ذکر است

ج: نه این اگر توجیه

س: تهذیب تهذیب آقای غفاری

ج: خدا رحمت کند مرحوم آقای بجنوردی از قول مرحوم آقای نائینی می‌فرمودند، مرحوم آقای بجنوردی نقل می‌کرد از قول مرحوم نائینی یک مطلبی را که می‌گفت بعد می‌خواست رد کند می‌گفت هذا کلام ان یبکی علیه خیر من ان یصغی الیه، گفت ان یبکی علیه خیر من ان یصغی الیه گریه بکند آدم بهتر است که بخواد گوش بکند به آن کلام،

س: او یضحک به الثکلی

ج: یضحک به

س: یمكن العریس

ج: بلی یمكن العریس، غرض حالا البته آن جا ممکن است عریس باشد چون عریس یعنی داماد در لغت، عروس زن است و عریس یعنی شوهر، عریس نه، این که اصطلاح الآن سوریه

۲۰: ۷

ج: فی العراق عریس هو رجل یعنی مراد المرئه عروس یعنی، غرض مراد مرد است مراد شوهر است نه مراد زن، بلی حالا ایشان می‌گویند ما در سوریه می‌گوییم عریس اما در عراق عریس علی ای حال ما که سر در نیاوردیم خدا

س: پس دیگر حرف صاحب حدائق و ایشان را خیلی هم در روایات

ج: بلی

س: دارد ولی رجل گفته عبارتش را خواندم دیگر

ج: بلی چرا همان یبکی علیه خیر من ان یصغی الیه، همان که فرمودند یبکی علیه خیر من ان یصغی الیه

س: باید دید نسخه‌ای که دست ایشان بوده چه بوده؟

ج: حتی یقوم شیئاً که معنی ندارد او یحدث شیئاً معلوم است یقدم شیئاً، اصلاً معنی ندارد آن که اصلاً معنی نمی‌دهد آقای خویی هم قبول کرده که تعارض هست و لذا روایت مشوه است قبول نمی‌کند به خاطر تشویه روایت تعارضی که در روایت است و حالا تعجب این است که توجه نکردند تعارض خیلی نزدیک است دو سطر است این قدر فاصله نیست یعنی خیلی حدیث باهم نزدیک است امام چه جور این کلام را فرمودند

س:

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۶

جلسه: ۴

۸:۲۲

ج: بلی خیلی علی ای حال

س: سید حکیم یقید صدر بذیل

ج: ای،

س:

۸:۳۰

یقید صدر بذیل

ج: یعنی یقوم کافی نیست یک یتکلم بکلام، خب خلاف ظاهر جداً خلاف ظاهر

س: خب حالا که از ذیل

ج: بلی خب ما این همه بحث نقد متن

۸:۴۳

من می گویم که انشاءالله بعد از این بحث، دیگر بحث متن نفرمایید چون معلوم می شود روایات اهل بیت یک مشکلاتی دارد با

علم ایقوف و جفر و رف و استرلاب باید حل بشود این عبارت را حل کردند می گویم آن آقا آن جور این آقا این جور

س: نقل خود صاحب حدائق این شکلی است عن الرجل اذا اراد ان يقعد فقام ثم ذکر من قبل ان يقوم شيئاً

س: آری دیگر ایشان همین را خواند دیگر

س: منتهی فقام را هم دارد

س: فقام را هم دارد خب دیگر بعد

س: این جا فقام این قرینه می شود که یعنی قیامش دیگر کامل نیست

ج: خیلی تصرف می خواهد دیگر بدتر شد همان یبکی علیه خیر من ان،

س: نه دیگر حاج آقا شما آن قام را به

ج: نه قام باید درست قام یعنی قام دیگر بالفعل قام ثم ذکر

س: این با این قرینه که دارد می گوید ثم ذکر من قبل ان يقوم

ج: به نظرم ایشان شاید همین کلمه خراب شده در متن ایشان در پیش ایشان، جواهر چه دارد من چون جواهر را نشد حاج آقا

رضا یک توجیهی دارد اگر دارید مصباح الفقیه را بیاورید اصلاً نفهمیدم چه می گوید یک چیزی عجیب و غریبی سعی کرده توجیه

بکند مطلب را مرحوم حاج آقارضا اگر جواهر نگاه نکردم من مستند آقای خویی آقای خویی که می گوید مشوه است و قبول

نمی کند می گوید روایت مشوش می شود و قابل قبول نیست ایشان که اصلاً روایت را به خاطر تناقضش از

س: آخر مجمل

ج: بلی

س: مجمل یک خرده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه‌شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۷

جلسه: ۴

ج: مجمل است و قابل اعتماد نیست از اعتماد می‌اندازد

س: چون روایت را ایشان آوردند استشهاد کردند که برای چیز؟ برای

س: مجمل محترمانه‌اش است

ج: حالا آن باب سی و دو اگر آوردین وسائل حدیث اول هم همین است حدیث اول مال معاویه ابن عمار است در ابواب الخلل

جواهر توجیه دارد یادم نیست الآن توجیه جواهر، اما مصباح الفقیه را دیدم توجیه،

س: اصلاً این جواهر متعرض این نکته‌اش نشده این خبر را جزء اخبار برای

ج: سجده سهو برای آن،

س: بلی تکلم در غیر موضع

ج: این چیز هم دارد در روایت معاویه ابن عمار هم دارد حالا یک نکته فنی در روایت معاویه القعود فی مقام القیام بخوانید روایت

یک شماره یک باب ۳۲

س: چاپ اسلامی چه چیزی

ج: فرق نمی‌کند نه همان باب باب ۳۲ حدیث یکش

س: خب این حدیث باب ۳۲ می‌شود جلد ۵ صفحه ۳۴۶ باب مواضع التي تجب فيها سجده السهو و حکم نسیانها، حدیث اول

محمد ابن یعقوب عن علی ابن ابراهیم عن محمد ابن عیسی عن یونس عن معاویه ابن عمار قال سئلت عن الرجل یسهو فیقوم

فی حال قعود او یقعد فی حال قیام قال یسجد سجدة ین بعد

ج: این جا یقوم دارد آن چیز عمار کردش قضیه شرطیه اذا اردت ان تقوم آیا این تصرف عمار است یا عمار این جور شنیده آیا بین

دوتا تعبیر فرق هست یا نه؟ حالا این بحث دیگر باز یک کم لغوی هم می‌شود که دیگر از بحث خارج می‌کند بعد روایت معاویه

ابن، بعد روایت عمار را نقل می‌کند اذا اردت ان تقعد فقم اذا اردت ان، عرض کنم خدمت‌تان من فکر می‌کنم علت این‌که

اصحاب اولاً علت این سوء فهم را من عرض بکنم بعد توضیح بدهم راجع به روایت به نظر من اصحاب در این عبارت من قبل

ان یقدم شیئاً او یحدث شیئاً خیلی فکر نکردند مشکل‌شان این است قام قبل ان یقدم شیئاً خب این چرا تو مطلب، اولاً این‌که این

مطلب مال خود عمار است یا سؤال است چون این مطلب در روایت بقیه نیامده این جور تعبیر نیامده آیا این مطلبی است که خود

جناب عمارساباطی خودش تفریع کرده یعنی مطلب این بوده قیام در موضع قعود قعود در موضع قیام آن وقت این فرع را ایشان

مطرح کرده فرع را مطرح کرده اگر آقایون دقت می‌کردند این نکته خیلی لطیف این است من قبل ان یقدم شیئاً او یحدث شیئاً این

اصلاً یعنی چه؟ روی این فکر نکردند آقایون این من قبل ان یقدم شیئاً او یحدث شیئاً اگر روش فکر کرده بودند این حرف‌های

عجیب و غریب زده نمی‌شد.

ببینید آقا راجع به تسلیم در نماز معروف و مشهور این است که تسلیم واجب است البته به نحو سنت حالا آن روایت حریر را

بیاورید روایت زراره لا تعاد الصلاة الا من خمس، آخرش در بعضی این نسخش این جا آخرش و التشهد سنه و التسليم سنه،

بعضیاش تسلیم ندارد و عرض کردم سنت یعنی ما سنه رسول‌الله در مقابل ما فرضه الله اصولاً سنت و فریضه آن وقت از مجموعه‌ای

حالا این بحث سنت و فریضه چون طولانی است نمی‌خواهم وارد بشوم بعضی‌ها خب جمع کردند نوشتند عرض کنم که آن وقت

از مجموعه این طور معلوم می شود که اخلال به فریضه مقتضای قاعده نه این که دائماً موجب بطلان عمل است به هر نحوی که باشد اخلال عمدی سهوی این ها اخلال به سنت در صورتی که عمدی باشد موجب بطلان است اگر معذور باشد حالا مثل لاتعداد را علماء زدند به سهو و نسیان و این ها،  
س: روایت زرارہ فکر کنم در فقیه است

ج: بلی

س: جلد یک صفحه ۳۳۲

ج: نه به نظرم تهذیب هم دارد

س: حالا من از فقیه

ج: بخوانید

س: حدیث شماره ۹۹۱ و روی زرارہ عن ابی جعفر علیہ السلام انه قال

ج: عرض کردیم وقتی ایشان می گوید روی زرارہ به قرینه مشیخه از کتاب حریز گرفته خود ایشان هم می گوید ماکان فیه عن زرارہ از کتاب حریز است و توضیحات کافی عرض کردیم یکی از مهم ترین کتاب های ما در قرن دوم همین کتاب حریز است کتاب الصلاة لحریز آن وقت از عبارت شیخ معلوم می شود کتاب الزکات کتاب الحج که ما کتاب الحج ایشان را یکی از رفقاء استخراج کرد ۱۳۵ حدیث است همین حدیثی که می گوید باید مطاف در همان محدوده سیزده متر و نیم یعنی بیست و پنج ذراع باشد این هم تو کتاب حریز است، تو کتاب حریز آمده کتاب الحج حریز، از نجاشی معلوم می شود که ایشان این کتاب ها را بهش نسبت نداده عنوان دیگر خود کتاب حریز و آثار کتاب حریز بحثی می خواهد غرض مرحوم صدوق از کتاب حریز نقل می کند از زرارہ کراراً عرض کردیم زرارہ احتمالاً در مدینه بعضی از احادیث را نوشته باشد احتمالاً احتمالش هست اما در کوفه نوشته ها را نداده به شاگردها این مباحث فهرستی ما از این جا شکل می گیرد اگر همان نوشته ها را می داد عین کتاب به نسل بعدی می رسید ظاهراً صحبت کرده شاگردها می نوشتند لذا نوشتارها مال شاگردها است این شاگردهای ایشان که نوشتند یکش حریز است یکش عبدالله ابن بکیر پسر برادر ایشان بکیر ابن اعین برادر ایشان است عبدالله ابن بکیر است یکش جمیل ابن دراج است یکش عمر ابن اذینه است این ها چندتا شاگردهای معروف زرارہ اند که همه شان نوشتار دارند خود زرارہ نوشتار ندارد، گفت این خیلی مسأله ای آن وقت ایشان از کتاب حریز نقل می کند و این نسخه ای که بوده در اختیار مرحوم صدوق و کلینی و دیگران نسخه معروف کتاب حریز است لذا این هم به لحاظ سند سندش معتبر است هم به لحاظ فهرستی نسخه کاملاً قابل شناسایی است یعنی هیچ مشکل تاریخی ندارد نسخه کتاب حریز بود حریز از زرارہ شنیده زرارہ کتابش را به حریز نداده از امام باقر شنیده برای حریز گفته حریز نوشته این نوشتار به قم رسیده بعد توسط مرحوم ابن نقل ایشان صدوق به ما رسیده لذا ما در مباحث فهرستی عرض کردیم یک مصدر اولیه تصور می کنیم یک مصدر ثانوی و یک مصدر متأخر مصدر متوسط و متأخر، دیگر حالا وارد این بحث بشوم طول می کشد انشاء الله بحث های فهرستی باشد برای بفرمایید، قال لاتعداد الصلاة الا من خمس این حدیث خیلی معروف است حدیث لاتعداد و اصحاب به این خیلی بحث کردند مفصل لیکن احتمالاً نکته این حدیث ذیل حدیث باشد و شواهد دیگر هم دارد وارد آن بحث الآن نمی خواهیم بشویم من نکته ام چیز دیگر است بفرمایید آقا، قال لاتعداد الصلاة الا من خمس

س: من خمسة الطهور و الوقت و القبلة

ج: الطهور طهور نه، الطهور طهور یعنی طهر طهارت احتمالاً طهور و طهور هردو از الفاظ عبری باشند اصلاً طهور یعنی طهارت طهر ما در عربی طهر داریم در عبری طهور آن وقت طهور این شاید لفظ عربی باشد وزن فَعول است که برای اسم آلت هم به کار برده می شود سَحور ما

۴۰: ۱۷

وَضوء ما يتضأ به، به اصطلاح فَطُور مایتفطر به، فطور یعنی انسان مثلاً یا حالا ناشتایی بخورد چون فطور به معنای ناشتایی هم می آید یا افطار، آن وقت فَطُور ما یتفطر به فَطُور ما در لغت عرب این را داریم فَعول و فُعول فُعول مصدر است فَعول اسم آلت است تقریباً آن وقت همین کار هم در کتب طبی الی ماشاء الله مثلاً سَنون و سُنون سَنون از سن یعنی دندان دواهای را که به دندان می مالیدند سَنون می گفتند ای یستن به، فرض کنیم مثلاً نَشوق و نَشوق نَشوق یعنی استنشاق کردن، نَشوق ما یستنشق به و هَلَم جراً دیگر حالا من نمی خواهم بابی، این کار در کتب طب عربی همین اصطلاح آمد این لا تعاد الصلاة الا من خمس که طهور طهور درست است

س: طهور یعنی آب یا خاک، التراب احد الطهورین آن جا طهور بخوانید التراب احد الطهورین اما لا صلاة الا بطهور این جا طهور بخوانید این دوتا با همدیگر فرقی روشن شد یکی طهور است یکی طهور است و انزلنا من السماء ماءً طهوراً آن جا طهور خوانده بشود یعنی یتطهر به، بفرمایید آقا

س: یادمان باشد مرحوم میرزای قمی هم برای رفع آن تناقض یک حرفی زده

ج: خب بخوانید الآن قبل از این که من شرح بدهم

س: بگذار این روایت

ج: بگذار این روایت را بخوانند

س: و الركوع و السجود ثم قال القرائة سنة و التشهد سنة و لاتنقض السنة الفريضة

ج: من خیال می کردم در یک نسخه شاید تسلیم هم دارد و التشهد سنة یعنی مما سنه رسول الله و لاتنقض این احتمالاً این لاتنقض جای دیگر هم آمده حالا این شرح این عبارت هم یک شرحی است که احتیاج دارد شنیدم برای من نقل کردند از قول آقاضیاء که گفته بود این اواخر اگر این ذیل را ما نگاه بکنیم اعتبار را به ذیل بدهیم اصلاً یک مباحث جدید در فقه پیدا می شود راست می گوید اصحاب به صدر ما تمسک، آن وقت این ذیل این را می خواهد بگوید اگر شما فريضة را انجام دادید اخلال به سنت شد عن عذر به آن عمل ضرر نمی رساند مثلاً رکوع فريضة است اما ذکر رکوع سنت است یعنی سنه رسول الله، خود قیام این فريضة است قیام قبل الركوع اما این که حمد بشود و قل هو الله این سنت است مما سنه رسول الله لذا اگر حالات عذری داشتید لاتعاد را زدند به حالات عذری شما اگر حالات عذری داشتید و اخلال شد به سنن این نماز را باطل نمی کند اما اگر اگر به فريضة شد نماز را باید اعاده بکنی بلی مرحوم نائینی و عده ای اعلام معتقد اند جهل جزو سنن نیست لیکن خب خود ما تمایل مان به این است که جهل هم جزو سنن است آن هم یکی از اعدار است آن هم یکی از اعدار، نمی دانسته خبر نداشته این کار را نکرده آن هم جزو اعدار

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۰

جلسه: ۴

حساب می شود یک بحثی دارند که آیا جهل هم جزو لاتعداد است یا نه؟ به ذهن ما می آید که جزو لاتعداد باشد پس اگر جایی عذر بود در عذر اخلال به سنت اشکال ندارد عمل صحیح است،

س: در تهذیب همین متن است در خصال و التکبیر سنه اضافه شده

ج: و التکبیر من فکر می کردم و التسلیم، اشتباه از من است چون یک بحثی بوده که ورود در نماز به تکبیر باید باشد خروج از نماز هم به سلام دادن این بگوید السلام علیکم و رحمه الله

س: مفتاحه التکبیر

ج: مفتاحه التکبیر و تحلیلها، این یک بحثی بوده حالا شما بفرمایید تا به بحث ادامه بدهیم،

س: این مرحوم میرزای قمی در مناهج جالب این است که نسخه این هم من قبل ان یقوم هست بعد می گوید و لایضر الاستدلال العبارة الاخیره فانها کاشفه عن کون المراد من القيام السابق القيام مستقلاً او مع الشروع فی القرائه ایضاً فمعناه انه اراد القعود فقام ای فهوی الی القيام،

ج: باز هم شبیه

س: باز همان است یبکی علیه

ج: یبکی علیه خیر من ان یصغی الیه، عرض کنم آن وقت بحثی که بود از همان قرن و قرون دوم که قرن فقهاء بود آیا می شود از نماز به فعل منافی خارج شد یا نه؟ مثلاً فرض کنید تشهد را خواند بعد شروع به غذا خوردن بکند ابوحنیفه می گفت می شود لازم نیست با تسلیم، یک نماز هست که می گویند با یک خروجی هست، از نماز خارج شاید این محل همان نکته است،

س: غیر از آن هم ابن ابی الحدید یک چیزی از استادش نقل می کند می گوید ابوبکر با قول به این که یا خالد لاتفعل

ج: خارج شد از نماز

س: خارج شد از نماز

ج: یک بحثی بوده که آیا بعد گفت السلام علیکم، آن را دارم، حالا باز گفت آن کلام در اثناء نماز است،

س:

۲۲: ۳۷

ج: بلی آن اجتهاد ابن ابی الحدید هم خیلی روشن نیست

س: قرار بود بعد از آن

س:

۲۲: ۴۲

قبل از سلام بوده

ج: دقت بکنید یک بحثی هست که اصلاً خروج باید حتماً با تسلیم باشد یا با فعل منافی؟ آن وقت یک رأی این که باید دائماً با تسلیم باشد یک رأی این است که نه با فعل منافی، یک رأی این است که با تسلیم باشد لیکن تسلیم طبعش در به اصطلاح مقیاس احکام الهی به نحو سنت است نه به نحو فریضه به نحو فریضه نیست و لذا اگر مثلاً حواش نبود نسیان کرد، با غیر تسلیم

از نماز خارج شد درست است اشکال ندارد مثلاً یادش رفت در نماز است شروع کرد به مطالعه کردن خوابیدن رفت پشت ماشین رانندگی کرد فعل منافی را انجام داد در صورت نسیان اصلاً فراموش کرد در نماز است تشهد را خواند در تسلیم آن وقت گفتند اگر خوب دقت کنید فعل منافی انجام داد آن مضر نیست با آن فعل منافی از نماز خارج می شود حالا این مقدمه روشن شد

س: لاتعاد هم می گیرد

ج: بلی آقا

س: لاتعاد هم می گیرد

ج: خب همان لاتعاد به اصطلاح لاتعاد این را درست، لاتنقض السنه الفریضه هم ذیلش من فکر می کردم یک متنش هم التسلیم سنه، حالا به نظر من یک متن دیگر از عمار داریم التسلیم نمی دانم چه؟ یک متن عجیبی دارد عمار از روایت عمار داریم که التسلیم کذا این روایت تسلیم را نگاه کنید من وارد آن بحث روایت عمار نمی خواهم بشوم دقت کنید ببینید روایتی را بخوانید روایت عمار را من به نظر من آقایان ما توجه نکردند گفت من قبل ان يقدم شيئاً او يحدث شيئاً يحدث که حدث است مثلاً ایشان حواسش نبود حدثی از او صادر شد بعد از تشهد و قبل از تسلیم آیا نماز او باطل است یا نه؟ همان فعل منافی است دیگر فرق نمی کند حالا یا فعل منافی یا حدث، دقت می کنید چه می خواهم بگویم این سؤال را بخوانید اذا اردت ان تقوم فقعد بخوانید شما متن حدیث را این صدر روایت ایشان است آن قاعده کلی است روایت عمار را یکبار دیگر بخوانید اذا اردت ان تقوم فقعد او اردت ان تقعد فقعدت، او اردت ان تسبح فقرأت او اردت ان تقرأ فسبح

س: بلی او اردت ان تسبح فقرأت فعلیک السجده السهو

ج: سهو بلی

س: و لیس فی شیء مما یتیم به الصلاه سهو و عن الرجل اذا اراد ان

ج: و عن الرجل این خیال کردند این سؤال از خود امام است من احتمال می دهم سؤال ما خودی، تفریعی است ما خود جناب مستطاب عمار، این اصلاً یعنی یک تفریع فقهی است یک تفریع فقهی است از عمار که آیا، سؤال این است خوب دقت بکنید شخصی تشهد را خواند سلام نگفت بلند شد این ها این قسمتش حذف شده این اضافه بشود روایت حل می شود،

س: ابتدای روایت دارد سئلت ابا عبدالله عن السهو بعد می گوید و عن فلان و عن فلان

ج: و عن الرجل

س: و عن الرجل

ج: نه این معلوم نیست و عن الرجل از او باشد ببینید دقت کنید و عن الرجل اذا قام،

س: اذا اراد ان يقعد

ج: فقام، یعنی يقعد للتسلیم فقام بلند شد سلام نداد امام می فرماید اگر فعل منافی انجام داد از نماز در آمده چون فراموش کرده من قبل ان يقدم شيئاً او يحدث شيئاً دقت اگر این باشد خیلی ذوق شدیدی داشته یعنی یک ذهن عجیبی داشته در مسأله اگر بلند شد تسلیم را نگفت بلند شد بعد امام می گوید اگر فعل منافی انجام داد یا حدثی از او صادر شد تمام شد دیگر از نماز در آمده تسلیم باید خروج از نماز با تسلیم باشد در صورت تذکر این جا عذر داشته

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۲

جلسه: ۴

س: حتی یتکلم به

ج: اما اگر یادش آمد که تسلیم نگفته خوب دقت کنید فعل منافی هم انجام نداده حدث هم نه، آن وقت تسلیم را بگویند

س: خب یقعد للتسلیم درست است

ج: نه، اجازه بفرمایید این فقط می‌خواهد عمار این را بگویند که این قعود برای تسلیم واجب نیست همان ایستاده تسلیم را بگویند آن وقت اگر تسلیم گفت اگر قبل از این تسلیم تکلم بشی سجده سهو برای این چون با تسلیم دارد از نماز خارج می‌شود خوب دقت بکنید انصافاً اگر این مراد این باشد، من می‌خواستم به شما بگویم دیگر بحث متن را ول بکنید اگر روایات اهل بیت را این با رمل استرلاب در می‌آید و الا این به طور عادی در نمی‌آید خوب دقت بکنید این من قبل ان یقدم شیئاً را توجه نکردند ولذا می‌گویند اذا تکلم این تکلم مال این است چون الآن می‌خواهد از نماز با تسلیم خارج بشود چون تذکر اگر از نماز با تسلیم می‌خواهد خارج بشود اذا تکلم سجده سهو لم یتکلم سجده سهو نمی‌خواهد خیلی عجیب است اگر این معنی،

س: نه دیگر اگر این باشد که حتی یتکلم با تکلم خارج می‌شود از نماز

ج: نه خارج نمی‌شود با نماز سجده سهو است دیگر تکلم سجده سهو است

س: تکلم

ج: مگر عمدی باشد

س: سلام

ج: نه عمدی باشد

س: با این مبنی برویم جلو

ج: می‌دانم چون فرض این است که ایشان ملتفت نبوده عمدی که نیست یک دفعه یادش آمد که تسلیم نگفته امام می‌خواهند بفرمایند تسلیم را بگویند اگر کلام سهوی گفته سجده سهو نگفته هم که هیچ دیگر، نمازش تمام است اگر با فعل منافی هم در آمده که نمازش تمام است دیگر سلام نمی‌خواهد بگویند تسلیم نمی‌خواهد بگویند با فعل منافی از نماز در آمده من قبل ان یقدم شیئاً،

س: منافی نیست

ج: بلی آقا

س: تکلم فعل منافی نیست

ج: نه سهوی است،

س: یعنی شما اگر عمداً باشد سجده سهو نمی‌خواهد خارج می‌شود ولی سهوی باشد سجده سهو می‌خواهد

ج: بلی دیگر بلا اشکال، کلام اگر سهواً صادر بشود سجده سهو است بعد از سلام سجده است، دقت کردید اگر

س: زائد بر اصل می‌شود در آن‌جای که عمده باشد هیچی برایش نیست آن‌جای که سهو

ج: نه عمدی باشد که باطل می‌کند،

س: جزء از صلات است قصد می‌کند خارج می‌شود

ج: در آن جا قبل ان یکدفعه دیگر باز اما،

س: زیادی پیچ دادن حرف عمار هم هست شما می‌فرمایید طبق این دیگر حرف عمار می‌شود

ج: ظاهرش این طور است اگر باشد انصافاً هم یعنی بینی و بین الله فقط دو سه تا نکته دارد تو این یکی این که اگر تشهد را فراموش کرد

س: قطعاً عجمه دارد

ج: بلی آقا عجمه داشته نه این عجمه نیست این معلوم می‌شود یک فقیه فوق العاده‌ای یعنی به عنوان یک فقیهی یک کلمات خیلی معلوم می‌شود فقه اصحاب ما همان در قرن دوم خیلی مجمل بوده یکدفعه دیگر این عبارت را بخوان، حالا دقت بکنید، یکبار دیگر بخوانید

س: از ابتداء بخوانم

ج: از اولش بخوانید و عن الرجل اذا اردت ان تقعد فقامت

س: و عن الرجل اذا اراد ان يقعد فقام ثم ذکر من قبل ان يقدم شيئاً او يحدث شيئاً قال ليس عليه سجده السهو

ج: ثم ذکر یعنی ذکر که، یعنی می‌خواهد چه بگوید عمار این دقت کردید چه می‌خواهد بگوید می‌خواهد بگوید درست است برای تشهد می‌نشیند اما این قعود رکن تشهد نیست خوب دقت کنید اگر قیام کرد این این موارد را نیست اراد ان يقعد فقام آن اراد ان يقعد جای که در نماز است این تشهد چون خروج از نماز است، دقت کردید چه می‌خواهد بگوید نکته فنی عبارت یعنی امام اول فرمود اذا اراد ان يقوم فقعد اذا اردت ان تقوم می‌خواهد سؤال بکند این قعودی که برای تسلیم مثل همان است می‌گوید نه این قعود مثل آن نیست

س: این را از کجا می‌آورد

ج: خیلی خیلی سنگین است

س: این تشهد نیست آخر

ج: می‌گویم خیلی سنگین است

س: این بیکی علیه

ج: اما دقت بکنید و الا این کلمه من قبل ان يقدم شيئاً او يحدث شيئاً یعنی چه؟

س:

۴۶: ۳۰

ج: این را من از کجا فهمیدم این قبل ان يقدم شيئاً همان فعل منافی است که ابوحنیفه گفته این امام می‌خواهد بگوید اگر يقدم شيئاً فعل منافی انجام داد این از نماز خارج است دیگر سجده سهو هم نمی‌خواهد تسلیم هم نمی‌خواهد چون با فعل منافی یا با حدث از نماز خارج شده دقت کردید چه می‌خواهم بگویم اما اگر منافی انجام نداده حدث هم انجام نداده یادش آمد تسلیم نکرده سلام را بده، آن وقت می‌ماند سجده سهو خوب دقت کنید برای این قیام سجده سهو نمی‌خواهد اگر تکلم کرد سجده سهو خیلی دقت است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه‌شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۴

جلسه: ۴

س: این یقدم شیئاً را یک جوری معنی کنیم غیر از این که دیگر معنی نمی‌شود

ج: معنی نمی‌شود

س: وجه دیگر

ج: نمی‌دانم دقت کردید این چقدر دقیق است عمار ساباطی می‌گوید به خاطر این قیام بلی آقا

س: می‌گویم ایشان می‌گوید جور دیگر نمی‌شود می‌گویم هرکه یک جور همه‌شان هم خلاف ظاهر است

ج: خلاف ظاهر نه،

س: فرمایش حاج آقا هم همین جور می‌شود دیگر

ج: خلاف ظاهر نیست که

س: چرا دیگر حاج آقا

ج: نه می‌خواهد بگوید این همان قیام است یعنی به عبارت آخری حالا که بلند شد گفت اذا اردت ان تقعد فقم این قیام منشأ

می‌شود که سجده سهو امام می‌گوید نه این قیام منشأ نمی‌شود این قیام جزء تسلیم نیست آنی که منشأ می‌شود

س: شما مقید می‌کنید دیگر با چه قرینه‌ای دارید مقید می‌کنید

ج: یعنی قیام تشهد در دومی این طور،

س: نه دیگر

ج: نه قیامی، قعود تشهد در دومی این طور است در آخری این طور نیست این خیلی اگر واقعاً مراد ایشان این باشد این نشان

می‌دهد که کاملاً فقیهانه برخورد کرده،

س: قریباً لهذا حتی تقید القعود او القیام بالآخر

ج: خب لانه لایسجد الا للتکلم هو یسجد بالقیام

س: یحدث شیئاً

ج: نه خوب دقت کنید چون آخر یک قیامی هم کرد دیگر تسلیم نگفت امام نگفت ان یسجد سجده سهو برای این قیام گفت اذا

تکلم یسجد یعنی این قیام توش سجده سهو ندارد این تفریع بر مسأله اول است اگر این طور باشد مراد جدی روایت هم نشان

می‌دهد که چقدر دقیق است هم نشان می‌دهد که خب با روایات اهل بیت باید خیلی برخوردمان عجیب و غریب باشد این احتیاط

احتیاطش این است که شما اصلاً بحث نقد متن را ببندید دیگر چون اگر بنا بشود روایات اهل بیت این جور در صعوبت باشد

واقعاً چیزی عجیبی است معنای عجیب دقت بکنید امام بعدش می‌گوید اگر تکلم اذا تکلم یسجد سجده، با این که این جا قیام کرده

خب قبل از اولاً یک یعنی این نکته این هست احتمالی این هم هست که مرادش این باشد وقتی که قیام کرد تذکر پیدا کرد بنشیند

و تسلیم بکند این جهتش ساکت است روایت همان قائماً از این که نگفت یسجد سجده السهو للقیام این قیام را حساب نکرده و

الا اول گفت اذا اردت ان تقعد فقمت خب این جا هم اراد ان یقعد برای تشهد، فقام خوب دقت کنید فرضش این است که قام

حالا دو مرتبه هم روایت را بخوانید از فرض اولش و دومش

س: حالا بهتر از روایت فتوی اصحاب مال آن خروج با غیر تسلیم و تسلیم فتوای اصحاب چه است

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه‌شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۵

جلسه: ۴

ج: من به ذهنم این است که فتوی این است الآن حضور ذهن ندارم نه الآن

س: مرحومی اجازه می‌دهید مرحوم فیض هم شاید

ج: بفرماید

س: به فرمایش شما هم نزدیک باشد، بیان مرحوم فیض بیان‌هاش خیلی به درد می‌خورد

ج: اما اگر این معنای که من عرض کردم واقعاً باید بگوییم شبیه مکاشفه شده و الا به حسب ظاهر چنین معنایی از روایت

س: فقط با مکاشفه

ج: با مکاشفه باید درستش کرد و الا چنین معنای از این خیلی عجیب است آن این روایت دیگر مشکلش حل می‌شود

س: مدحی

۲۹: ۳۴

ذم است

س: این می‌گوید لعل المراد بقوله و ليس في شيء ما يتم به الصلاة سهو ان لاسجدة سهو فيما يتدارك به السهو

ج: خب واضح است لعل نمی‌خواهد

س: مثل ان يسهو عن سجدة فسجد او ان تشهد فتشهد ثم ذكر يعني ذكر انه محل القعود من قبل ان يقوم شيئاً بازهم

ج: بازهم يقوم دارد

س: عجیب است این را باید جدی نگاهش کنی بالاخره نسخه وافی هم، یعنی قبل استتمام القیام او يحدث شيئاً یعنی شيئاً من

القراءة او التسبیح حتی یتکلم بشئ یعنی بشئ منهما هل علیه سجدة السهو معلوم شد

ج: نه خیلی بعید است اصلاً حرف ایشان دور از آباد است

س: حرف ایشان با بعضی از علمای دیگر هم

ج: بلی با حدائق هم خورد یک مقداری با صاحب حدائق هم نزدیک است

س: دوتایشان يقوم است

ج: همه نسخه‌شان يقوم

س: همه‌شان يقوم می‌گویند حاجی

ج: اما وسائل يقدم دارد خود وسائل مقابل شماست خود تهذیب هم يقدم دارد و واضح است يقدم شيئاً يقوم شيئاً نه،

س: توی وافی هم يقوم است

س: این آقای غفاری هم هست

ج: بلی آقا

س: آقای غفاری از آقای حسان بهتر است، آن‌هم علی القاعده هم يقدم است تهذیب آقای غفاری این هم هست

س: البته این کامپیوتری‌ها به‌شان اعتمادی نیست باید کتاب را نگاه کرد

س: من عکسش را نگاه کردم

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۶

جلسه: ۴

س: نگاه کردی

س: بلی بلی عکس آقای خرطان

س: خب نه آن نکته چیز را عرض می کنم مثل وافی و الآن من این ها را که می گویم جالب است حدائق وافی مناهج مرحوم همه

این ها این بزرگان همه شان يقوم است

س: تهذیب نسخه مطبوعش يقوم است،

س: از یک نسخه دارد یعقوب این را باید

ج: اما خیلی بعید است یحدث شیئاً خیلی بعید است

س: بلی تصحیح آقای غفاری را هم نگاه می کنیم آن نسخه هایش را

س: آن باشد دیگر شیئاً مفعول ذکر می شود آن هم خب باز

ج: ذکر شیئاً یعنی چه؟

س: دیگر چه کار کنیم؟

ج: قبل ان يقوم، قام قبل ان يقوم یعنی چه؟

س: دو مورد دیگر و عن الرجل ذیل روایت داریم آن ها هیچ یک مشکل ساز نیست

ج: کدام یکی بخوانید

س: عن الرجل عن الرجل بعد این روایت دارد دیگر

ج: بخوانید بخوانید

س: رجل یدخل مع الامام الی آخر

ج: احتمال دارد که این ها هم یعنی این به ذهن من می آید که فروع است و درست هم هست انصافاً این معلوم می شود تنبه

ایشان که اگر در تسلیم قیام کرد خب دقت ثم ذکر تسلیم را انجام بده اگر فعل منافی و حدث ازش صادر نشده تسلیم را انجام

بدهد لیکن به خاطر این قیام سجده سهو نیست اذا تکلم علیه سجده السهو این خیلی عجیب است این مطلب ایشان خیلی عجیب

است به خاطر قیام یعنی می خواهد بگوید با این که فرض قیام کرده قام از آن ور هم گفت اگر قام اذا اردت ان تقوم فقعد او اذا

اردت ان تقعد فقمت، از آن جا این طور گفت از این جا می گوید نه، این جا این قیام بنفسه این قیامی که برای تسلیم است یا این

قیامی که حتی برای تسلیم چون الآن یک دو سه نکته ابهام هنوز توی روایت عمار ساباطی می ماند یک آیا آن تسلیم را قائماً بگوید

یا بنشیند بگوید

س: این را ساکت است بلی

ج: این را ساکت است ما در روایت مشابهنش داریم که بنشیند در اثناء نماز که اگر در رکعت سوم یادش آمد تشهد نکرده بنشیند

تشهد دیگر بعد بلند می شود رکعت سوم را بخواند آن را در نماز دارد این قسمت در کلام عمار ساکت است لیکن از این که

می گوید برای قیام به اصطلاح سجده سهو نباشد، معلوم می شود قیام را اساسی نگرفته در این جا و الا می گفت یک سجده سهو

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۷

جلسه: ۴

برای قیام یکی هم برای تکلم دقت می کنید معلوم می شود قیام را یعنی می خواهد بگوید این قیام از آن قیامی نیست که امام فرمود یا تداخلی بوده

س: اذا نه دوتا ظاهرش این است که من اجل الکلام حتی تتکلم بشئ و لذا هم آقایون از این تناقض فهمیدند نه بگوییم این قیام غیر از قیامی است که در اثناء نماز است آن قیام در اثناء نماز سجده سهو دارد این قیام دیگر سجده سهو ندارد اگر سجده سهو می آید به خاطر تکلم است نه به خاطر قیام، حالا شما می فرمایید بعید است اما انصافاً خوب هی دو سه بار نگاه بکنید خیلی معنای لطیف و دقیقی است انصافاً خیلی دقیق است من قبل ان یقدم شیئاً او یحدث شیئاً این اصلاً یحدث شیئاً یعنی چه اصلاً؟ در وسط نماز که لایقدم شیئاً و لایحدث حدثاً،

س: خب یحدث لعل مقصود فعل لیس هدف

ج: خب یقدم شیئاً

س: یعنی ذکره

ج: یعنی جمله تفسیریه خلاف الظاهر اگر این باشد و ظاهراً هم حرف بدی نیست فقط نقاط ابهامش یکش این است که الآن عرض کردم یک نقطه ابهامش این است که اذا اردت ان تقعد فقمتم آیا این شامل فقط نسیان تسلیم می شود یا شامل نسیان تشهد هم می شود حالا فرض در رکعت چهارم نسیان تشهد کرد بلند شد آیا اگر فعل منافی انجام داد از نماز خارج می شود ولو تشهد را انجام نداده این عبارت جناب عمار این قسمتش هم ابهام دارد چون اگر روایت را حمل بر تسلیم کنیم حرف بدی نیست اما حمل بر تشهد و تسلیم بکنیم، یعنی ایشان می خواهد بگوید به هر حال چون دارد التشهد سنه چون امام دارد التشهد سنه پس اگر تشهد را هم نگفت نسیاناً بلند شد نماز درست است، اگر فعل منافی انجام داد نماز درست است فعل منافی انجام نداد، تشهد و تسلیم را انجام بدهد فقط غایت ما هناک اگر صحبت کرده سجده صحبت نکرده سجده سهو ندارد

س: حالا فتواها را هم باید ببینیم فتوی اصحاب

ج: در فتوی اصحاب به نظر من در تسلیم دارند به نظر من حالا باید تسلیم آن وقت مشکل این است که عمار در تسلیم یک عبارت عجیبی دارد بیاورید بحث تسلیم را

س: آوردمش

ج: آوردنش از این عبارت ایشان هم سر در نمی آورم تا هنوز سر در نیاوردم یک عبارت خاصی تو تسلیم دارد خود عمار منحصرأ مال خود عمار است،

س: تو تعریف تسلیم دیگر

ج: بلی

س: بلی، توی وسائل الشیعه جلد ۶ صفحه ۴۱۶ چاپ آل البیت حدیث هفتم در ادامه احادیث از شیخ طوسی و باسناده عن احمد ابن الحسن عن عمر ابن سعید عن

ج: و باسناده عن احمد ابن حسن، عنه عن احمد ابن حسن،

س: نه به

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۸

جلسه: ۴

ج: عنه یعنی محمد ابن احمد دیگر ظاهرش این طور است

س: حالا این طوری چاپ شده این، حالا قال سئلت ابا عبدالله علیه السلام عن التسليم ما هو فقال هو اذن

ج: نمی فهمم یعنی چه؟

س: اذن

ج: اذن، یعنی فقط برای انصراف از نماز است

س: فکر کنم یعنی خروج مثلاً

ج: مثلاً

س: خدا حافظ کردن

ج: دیگر چون من خیلی مقید هستم تا نفهمم عرض کردم یک عبارتی دارد حالا یادم رفته که اذن من خیال می کردم عرض و

مرض یک چیزی این جوری مثلاً دارد که هو اذن،

س: بیان نداشته گاهی چیزهای جالبی می گوید

ج: که آقا؟ فیض

س: مرحوم فیض

ج: نگاه نکردم نه فقط وقتی خواندم نفهمیدم الی الآن هم نفهمیدم هو اذن،

س: عبارت چه بود؟

ج: هو اذن دیگر پیدا نکنید

س: عن التسليم ما هو

س: قل هو اذن

ج: اذن خیر لک خیلی عجیب این عبارت ایشان هم ندیدم برای کس دیگر هم ندیدم

س: عن التسليم ما هو، نه

س: بلی

ج: عن التسليم ما هو قال هو اذن

س: حالا ایشان آوردند من وافی را می خواهد بلی

س: خب خوب است

س: بلی توی جلد ۸ صفحه ۷۸۲ بیان قال بعض العارفين ما معناه انه لما كانت الصلاة غيبة عن الناس و حضوراً مع الله عز و جل

و الانصراف

ج: غَيْبَةٌ نه غَيْبَةٍ،

س: عن الناس و حضوراً

ج: غيبت آن کلامی است که در غيبت شخص گفته می شود غيبت خودش با غيبت فرق می کند بلی بفرمایید

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۱۹

جلسه: ۴

س: فالانصراف منها رجوع منه سبحانه اليهم فلهذا شرع التسليم عن الانصراف منها لان التسليم تحية من غاب ثم حضر و آب،

ج: خب حالا اين گفت عرفای است

س: بعض العارفين احتمالاً مرحوم پدر خانمشان بوده

ج: صدرالمتألهين گفت اين كه گفت عرفون حالا باش اين عرفون باشد خيلي با فقه،

س: عرفون را پر کرده آقای

۵۲: ۴۲

عرفونش را پر کرده

ج: بفرمایید آقا تمام شد

س: بلی همان

۴۳: ۰

را توضیح داده

س: سنه

ج: شاید مراد كه ما كه خب سنت می دانيم كه بنا بر سنت است اما اين كه اين تعبير هو اذن اذن بالانصراف اذن يا اذن بالانصراف

س: مرحوم آقای بحرانی

س: بعد مرحوم ملاذ هم خوب است ملاذ هم حرف های جالبی تو بیان دارد آخر می گوید اذن می گوید ای من الله للخروج من

الصلاة او للمؤمنين من الامام همه اين ها ذوقی است ديگر

ج: بلی ذوقی است مستند مشکل اين شد كه ما بعض روايات عمار را نگاه می كرديم كه حل بشود يا ديگران اين فقط در عبارت

ايشان آمده، آن وقتی كه من شايد چند سال پيش بود هفت هشت سال تازگی يادم نمی آيد مراجعه كردم يادم می آيد كه گير كرديم

كه اصلاً مراد ايشان از اين عبارت چه است؟ چون عمار روشن شد افراد دارد افرادهای دارد كه كس ديگر نگفته و اما اين مسأله

تسليم را بلی آقا؟

س: اين تحليله همين اذن است ديگر يعنی واقعاً يکی است، می گويم كه تكبير تحریم هست و تسليم تحليل است تسليم با عبارت

اخر اش اذن است ديگر

ج: خب می گويم باز هم يك اطمینانی،

س: اين كه ذوقی نيست نه اين ظهوری است واقعاً اين كه ديگر

ج: آخر ما يك مشکلی داريم كه اگر يك تعبير مال يك راوی معين باشد كس ديگر نقل نكند يك کمی توقف می كنيم چون بعيد

است امام فقط به همين يك نفر اين را گفته باشند عادتاً خب امام صحبت می كنند

س: برگردانش به احاديث ديگر مرحوم محقق بحرانی

ج: چه می گوید

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۰

جلسه: ۴

س: توی جلد ۸ صفحه ۵۰۲ تو بحث این که با سلام یعنی باید قصد بر انبیاء و ائمه مأمومین بشود یا نشود؟ بعد ایشان که در ذکری گفته مستحب است، بعد ایشان و یحتمل ان یكون علی سبیل الوجوب بعد در نهایت می گوید و یحتمل ان یكون علی سبیل الاستحباب لانه لا یقصد به التحیه و انما الغرض منه الا یذان بالانصراف من الصلاة كما مر فی خبر ج: یعنی می خواهد بگوید جزء دعا نیست جزء اعمال عبادی نیست فقط اجازه ای برای انصراف است یعنی تسلیم،

س:

۱۷: ۴۵

آدمی است دیگر

ج: یعنی در حقیقت جزء اعمال نماز نیست جزء عبادت نیست این فقط اذن بالانصراف مگر مراد این باشد یک صحبتی است که انسان و لذا اگر یادش هم نبود با فعل منافی خارج حالا این مال نسیان تسلیم را بیاورید بحث،

س: یک روایت دیگر کما هو المقصود

ج: بد نیست این حرف بد نیست حالا، این هم بد نیست این حرف، این حرف حرف بدی نیست حالا اگر در این کتب هست تسلیم نسیان تسلیم را بیاورید در مثل حالا یا عروه یا مثل همین کتاب آقای خویی

س: عروه یا مختلف؟

ج: مختلف نه مثل همین مستند آقای خویی عروه را بیاورید یا مستمسک من الآن تو ذهنم این است که اگر نسیان را تسلیم کرد فعل منافی انجام داد خارج می شود از نماز می خواهید شما عروه را بیاورید به ذهن من الآن این است، اما دلیلش الآن تو ذهنم نمی آید،

س: نسیان تسلیم

ج: به هر حال من فکر می کنم این معنای که من عرض کردم انصافاً یک دو نقطه اش ابهام دارد، اما به ذهن می آید با آن قبل ان یقدم شیئاً او یحدث شیئاً کاملاً می ساد آن وقت امام می خواهند بفرمایند اگر تکلم بشئ سجده سهو است به خاطر این قیام سجده سهو نیست به خاطر این قیام غیر از قیامی است که در اثناء نماز است می خواست برای تشهد دوم چون این می خواست با این عمل از نماز خارج بشود این قیام اساسی نیست پس بنابراین همین جور ایستاده هم می تواند تسلیم را انجام بدهد از نماز خارج می شود نهایتش اذا تکلم بشئ سجده السهو، آن وقت یک،

س: نه می خواهم حائری حاشیه ای به عروه زده بود

ج: این جا

س: لو نست تسلیماً و تذاکر بعد فعل ما یبطل الصلاة عمداً و سهواً فلاحوط اعاده الصلاة

ج: این را عروه دارد؟

س: این را نه حاشیه مرحوم حائری است بلی،

ج: خلاف ظاهر است نه، انصافاً خلاف،

س: عبارت عروه این جوری است و سجده السهو لکل زیاده این جا مرحوم حائری همین حاشیه را زدند و مرحوم گلپایگانی هم فرمودند الاحوط فی نسیان التسليم و التذکر بعد فعل مایبطل الصلاة عمداً و سهواً اعاده الصلاة،

ج: عبارت عمار می خواهد بگوید اعاده صلات نمی خواهد چون فعل منافی انجام داد خارج می شود روشن شد چه می خواهم بگویم یک جای دیگر سه تا نقطه ابهام در این روایت عمار هست و آن این که اگر تکلم قبل از فعل منافی چون با فعل منافی خارج می شود این را هم فرضش را ندارد تو روایت عمار حالا روایت عمار اجتهاد کرده ما باز در عبارت ایشان هم اجتهاد دقت کردید چه شد بلند شد صحبت کرد اما بعد فعل منافی انجام داد و بعد تذکر که تشهد را انجام نداده آیا این فعل منافی که آمد که با فعل منافی از نماز خارج می شود دیگر تسلیم هم بعد نمی خواهد حالا کلام اگر قبل از این فعل منافی بود چون این کلام را در روایت عمار فرض کرده قبل از تسلیم نه فعل منافی این هم شبهه دارد شاید مراد عمار این بوده که این کلام هم سجده سهو ندارد، چون این قیام در معرض خروج از نماز است این قیام در معرض و لذا این جا هم این کلام سجده سهو ندارد ولو با فعل منافی خارج بشود و کلام قبل از فعل منافی است اما موجب سجده سهو نمی شود و تأمل به قول آقایون، این سه تا نقطه ای که انصافاً تو روایت عمار ابهام دارد، یکی این که این آیا قیاماً باشد یا قعوداً ابهام دارد یکی این که آیا شامل تشهد می شود یا نمی شود ابهام دارد یکی این که شامل کلام غیر عمدی لیکن قبل از فعل منافی آیا آن جا هم به اصطلاح سجده سهو دارد یا نه؟ ظاهرش این است که آن جا ندارد ظاهرش این است که آن جا دقت کردید سجده سهو فقط جایی است که قبل از تسلیم کلام بگوید نه با فعل منافی بخواند با تسلیم از نماز خارج بشود کلام صحبت کرد سجده سهو دارد اگر این مطالبی را که عرض کردیم این دقت ها مطمح محل نظر عمار بوده انصافاً خیلی دقیق است، انصافاً خیلی دقیق است و خیلی هایش را می شود حسب قواعد درست کرد انصافاً می شود درست کرد حالا بخوانید مال نسیان تسلیم را در خود عروه بخوانید

س: مرحوم صاحب حدائق هم گفته مشهور عدم بطلان صلات است،

ج: خب همین همین عمار هم همین را می گوید

س: بلی می گوید لو نسیت التسليم ثم ذکر بعد فعل منافی عمداً کالکلام فالمشهور بل الظاهر انه لا خلاف فيه عدم بطلان الصلاة، ج: این این ها دوتا منافی می دانند من منافی که می گویم یک منافی عمدی است مثل کلام یک منافی عمدی و سهوی است مثل حدث یا پشت یک فعل منافی نماز بخوابد مثلاً یا پا شود رانندگی بکند ایشان می گوید اگر منافی عمدی باشد نماز باطل نمی شود خب این روایت عمار هم همین را می گوید سجده سهو انجام بدهد بعد بگویم منافی عمدی و سهوی آن را بیاورد این منافی عمدی شما خواندید المنافی عمداً المنافی عمداً و سهواً اصطلاح شان این است،

س: ولو ذکر بعد فعل المنافی عمداً و سهواً

ج: این دومی است اولی المنافی عمداً

س: فالمشهور بطلان الصلاة

ج: نه این روایت عمار می گوید نماز درست است

س: این هم می گوید فالمشهور بناءً علی القول بوجوبه کما هو المشهور

ج: بوجوب التسليم، قبول داريم وجوب تسليم را ليکن وجوبش به نحو سنت است نه فريضة، سنت به نحو عمدی اگر اخلاص کردیم عمل باطل است اما اگر سهوی باشد عمل باطل نیست این آقایان تسليم را گرفتند از قبیل فريضة با این که در این روایت فريضة اصلاً توش تسليم نیست لاتعداد الصلاة توش تسليم ندارد ليکن این را شما یک توضیحی در محله،

۵۱:۵

بحث طولانی می شود

س: قد نقل فی المدارک عن جده انه استشكله بان التسليم ليس برکن

ج: این رکن یعنی فريضة

س: بلی

ج: یعنی می خواهد بگوید تسليم رکن نیست به اصطلاح من فريضة نیست سنت است اگر این ها تعبیر سنت را این خودش یکی از بحث های مهم است که اما تعبیر سنت و فريضة بیشتر در روایات امام باقر داریم در روایات امام صادق کم داریم، و بعد از امام صادق تقریباً بین فقهاء ما نداریم یک مشکل کار این است این هم یک بحثی است در بحث فريضة و سنت باید مفصلاً متعرض شد دقت کنید این ایشان تعبیرشان رکن است الآن تعبیری که بنده کردم که طبق روایت است فريضة و سنت است، ایشان می گوید رکن نیست اگر رکن نباشد عادتاً دیگر نماز نمی خواهد بخواند حالا به جای کلمه رکن ما نداریم به جای کلمه رکن سنت سنت طبعش این است که اخلاص به آن عن عذر مبطل عمل نیست همین که امام فرمود: و لاتنقض السنة الفريضة اگر به سنت اخلاص شد فريضة را انجام دادید این باطلش نمی کند یعنی اگر شما اخلاص به تسليم کردید ليکن بقیه اعمال نماز را درست انجام دادی این باطل نمی شود نماز لاتنقض السنة الفريضة یعنی این، لاتنقض السنة الفريضة، ليکن چون به هر حال واجب است باید حملش بکنی بر حالات عذر و لاتنقض السنة الفريضة فی حالات العذر مثل ذکر رکوع یا داش رفت بگوید ذکر سجود یا داش رفت بگوید حمد را یا داش رفت بخواند خود حمد سنت است قیام قبل از رکوع فريضة است حالا این ها گفتند رکن من تعبیر این اشکال شهیدثانی همین است که من عرض می کنم شهیدثانی رو قاعده اشکال می کند ليکن شهیدثانی توجه نکرده روایت عمار هم همین است دیگر روایت عمار ساباطی هم همین را می گوید می گوید اگر منافی انجام داد از نماز درآمد دیگر تسليم برای چه می خواهد دیگر اگر منافی قدم شیئاً و احداث حدثاً این دیگر از نماز درآمد اگر از نماز درآمد دیگر چه نکته ای برای تسليم دارد خوب دقت فرمودید،

س: ولی خب خلاف نظر مشهور است

ج: خب می گویم مشهور چون این من الآن توضیحش را عرض کردم مشهور چون این تقسیم فريضة و سنت را الآن شما در نهاییه و کتب اصحاب نمی بینید من خیلی مجمل گفتم چون نمی خواستم بازش بکنم تو روایات امام،

س: ایشان رکن و غیر رکن را که دارند که حالا

ج: این را بعدها در آوردند ما داعی نداریم رکن و غیر رکن بگوییم

س: لاتعداد که قبلاً بوده یعنی تعدادی

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۳

جلسه: ۴

ج: لاتعداد فريضة و سنه رفته، اصلاً لاتعداد را آقا یون دقت نکردند، یک روایت دارد الفرض فی الصلاة سبعة با همین سند است بخوانید الفرض فی الصلاة سبعة بعد لاتعداد الصلاة الا من خمس،

س: یعنی غیری

ج: نه از این هفت تا پنج تا ش پنج تا هفت تا و القرائه سنه و التشهد سنه، و لاتنقض السنه الفريضة خیلی واضح است معنایش این از امام باقر است ما در حج هم داریم به نظرم در حج سعی بین صفا و مروه می گوید سنه نگاه کنید در حج هم داریم آن وقت این یک عرض عریضی دارد یعنی مثلاً فرض کنیم که لایضر الساع

۵۴: ۳۱

اذا اجتنب اربع خصال، بگوئیم این اربعه خصال فريضة است بقیه سنت است چون می گویم اصلاً این بحث نشده، این بحث بعد از روایت امام صادق تقریباً مطرح نشده،

س: سعی را یادم هست از ارکان شمردند

ج: نه فريضة، یکش دارد که سنه مال سعی را بیاورید، یا سنه یا تقصیر می گوید یکش را می گوید فريضة یکی را می گوید سنه، یا رمی الجمار سنه، یکی را می گوید سنه،

س: رمی جمار است

ج: سنه یکی را دارد سنه

س: رمی الجمار سنه،

ج: حالا من یادم رفته دیگر حافظه ما هم دیگر خیلی چیز نمی کند سنه دارد تو اعمال حج هم دارد آن وقت اگر ما از راه سنه

س: سنه من رسول گفته

ج: ای، سعی دارد؟

س: بلی هم کافی دارد پس همانی که به ذهن من بوده خیلی نا امید نشویم از حافظه خودمان، می گویم تو ذهن من بود السعی سنه،

س: الطواف فريضة و فيه الصلاة و السعی سنه من رسول الله،

ج: بلی معلوم شد حافظه من هنوز خیلی خیلی نا امید نشویم بعد قلت أليس الله يقول ان الصفا و المروه من شعائر الله قال بلی و لكن قد قال فيه

۵۵: ۳۹

فان الله چه

ج: همچو مضمونی یاد نیست الآن، من هم تو ذهنم بود که السعی سنه تو ذهنم بود الآن و لیکن شما چون اشکال کردید ما برگشتیم معلوم شد نه درست بود،

س:

۵۶: ۰

نظر فقهاء این است ولی در روایت

ج: آن وقت اگر ما آمدیم آن وقت روایت عمار روی مبنای فریضه و سنت معنی می دهد هیچ مشکلی هم ندارد،

س: روایت فریضه هم دارد سئلته عن السعی بین الصفا و المروه فریضه او سنه فقال فریضه

ج: پس آن را هم دارد من این را ندیده بودم السعی سنه را دیده بودم

س: در تهذیب اما از کافی نقل کرده

ج: آن روایت را دیده بودم السعی سنه این یکی را ندیده بودم

س: ولی آن در تهذیب هم هست تو کافی هم هست اینها هم بالاخره آوردند

ج: آن وقت این اگر شد می خواهیم الفرض فی الصلاة سبعة را بخوانید التوجه و التكبير و الركوع و السجود توش هفت تا دارد

الفرض فی الصلاة بعد می گوید و لاتعاد الصلاة الا من خمس اصحاب ما این دوتا را بهم ربط ندادند هردو از یک کتاب واحد اند،

س: این در فقیه حالا جلد ۱ صفحه ۳۴ باب فرائض الصلاة، فرائض الصلاة سبعة الوقت و الطهور و التوجه و القبلة و الركوع و

السجود و الدعاء

ج: این دوتا توجه و دعا را اضافه کرده، حالا گفته شده توجه مراد همان تکبیره الاحرام است چون در تکبیره الاحرام بحث است

که اگر وارد نماز شد بدون تکبیره الاحرام بحث است اگر وارد نماز شد بدون تکبیره الاحرام نسیاناً آیا درست یا نه؟ در این جا بعد

می گوید و لاتعاد الصلاة الا من خمس، آن دوتای که مشکل ایجاد نمی کنند توجه و دعاست آن پنج تا باهم یکی اند وقت قبله و

ركوع و سجود،

س: جالب است بعضی از ارکان را نگفته ایرادی که به همین حدیث لاتعاد هست بعضی از ارکان را ذکر نکرده مثل همین تکبیره

الاحرام،

ج: این را جوابش را به دادند یا مثلاً قائل بشویم تکبیره رکن نیست یعنی فریضه نیست یا جوابش را بدهیم که این حدیث قابل

استثناست قابل تخصیص است یعنی حدیث تمام فرائض را نیاورده چون فریضه اصطلاحاً،

س: لاتعاد الا من خمس

ج: می دانم می دانم تخصیص یعنی خارج شدیم از حصر خارج می شویم به دلیل

۵۸: ۳

منفصل می شود خارج شد مشکل ندارد پس بنابراین آقا خلاصه بحث ما راجع به این روایت عمار ساباطی البته همین که شما بعد

نوشته از شهیدثانی که نقل کرده از کس دیگر نقل نکرده در حدائق گفته این شهیدثانی

س: مدارک نقل کرده

ج: مدارک از قول جده شهیدثانی دیگر کس دیگر نقل نکرده انصافاً اگر ما باشیم و قاعده حق با عمار ساباطی است، انصافاً یعنی

اگر بلند شد نسیان تسلیم حتی شاید از این روایت در می آید که به اصطلاح تشهد هم همین طور است فقط تسلیم نیست فعل

منافی انجام داد از نماز خارج می شود فعل منافی انجام نداد هنوز تو نماز است یادش باید با تسلیم از نماز خارج بشود یادش

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۵

جلسه: ۴

آمد باید با تسلیم از نماز آن وقت به خاطر این قیام سجده سهو نیست اذا تکلم علیه سجده السهو اگر این باشد خیلی دقیق است خیلی لطیف است می خواهد بگوید آن قیامی که در حدیث اول بود اذا اردت ان تقعد فقم این قیام را شامل نمی شود، س: حالا فتوای قدما مثل مغنی و نهاییه و این ها را هم نگاه می کنید

ج: من نگاه نکردم آن ها را فتوی را نگاه، انصافاً فقه ایشان آن وقت اگر واقعاً این حدیث مراد جدش این باشد خوب واقعاً خیلی کار حدیث را مشکل می کند سخت مشکل چون واقعاً این معنی خوب دید دیگر بزرگان وقتی ملتفت نشود دیگر ما بچه طلبه ها که جای طلبه ها که جای خود دارد و این دیگر شما باید بحث نقد متن حدیث را کنار بگذارید،

س: متفرد است دیگر این هم از موارد متفردات است

ج: اما به هر حال اگر بنا باشد متن این قدر دقت درش شده خیلی عجیب است یعنی متن این قدر درش دقت شده این قدر ظرافت درش شده

س: خب

۶۰: ۰

یتکلم عمداً او سهواً حتی القيام حتی یتکلم

ج:

۶۰: ۹

عمداً لکن لا یدری فی الصلاة سهی انه فی الصلاة

س: حتی یتکلم

۶۰: ۱۴

للكلام

ج: للكلام لانه تکلم

س: یمکن عمداً او سهواً

ج: لافرق فیه لانه

س:

۶۰: ۲۰

یبطال

ج: نه نه لانه نسی فی الصلاة فراموش کرده تو نماز است

س: نه می گوید اما عمداً تکلم

ج: عمداً در مخالف نماز چون فراموش کرده تو نماز است

س: فسهواً

ج: سهواً می شود

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۶

جلسه: ۴

س: خصوصیت کلام او ان يفعل فعل آخر

ج: فعل آخر منافی یخرجون الصلاة لاحاجه اليه

س: خب لماذا الكلام

ج: خیلی دقیق است

س: عن عمداً

ج: عمداً نمی داند که در صلات است ولی صحبت می کند یخرجون الصلاة لكن لا يعلم من الصلاة بعد تذكر لم يسلم يقول الآن

يسلم لكن اذا تكلم قبل التسليم يسجد سجده السهو و الا ليس عليه سجده السهو

س: مختلف عبارت را از خلاف این جور نقل کرده و قال فی الخلاف سجده السهو لاتجبان فی الصلاة الا فی اربعة مواضع احدها

يتكلم فی الصلاة ناسياً و الثانی اذا سلم فی غیر موضع السلام ناسياً و الثالث و الرابع هم که حالا آن تشهد است، فان هذه المواضع

مما يجب عليها مضي فی الثلاث ثم سجده السهو بعد التسليم قال فاما ما عدی ذلك فهو كل سهو يلحق الانسان و لا يجب عليه

سجده السهو فعلاً كان او قولاً، زیاده كان او نقصاناً متحققه كان او متوهمه، و علی كل حال قال ففي اصحابنا من قال عليه سجده

السهو فی كل زیاده و نقصان،

ج: این روایت

۴۵: ۶۱

ربطی به ایشان ندارد

س: بلی

ج: روایت

۴۹: ۶۱

سجده السهو فی كل زیاده و نقيصه تردان عليه این روایت مرسله ابن ابی عمیر است

س: سلام را چه، مسأله سلام را یک جوری انکار کرده ایشان

ج: بلی نه آن که روایت دیگری است علی ای حال ما فرض را بر این می گذاریم که واقعاً من به نظرم که واضح است بعد از این

توضیح بنده که اصلاً

س: بلی حالا دیگر روشن شد بلی

ج: انصافاً من قبل ان يقدم شيئاً او يحدث شيئاً به نظر من که واضح است

س: ولی وزن بگذاریم بین این کلام با کلام مرحوم صاحب حدائق که کدام شان

ج: خب این همه بزرگان یعنی آدم تعجب می کند این معنایش این است که کم ترک الاول للآخر یعنی تعجب آور است واقعاً که

مثلاً یعنی گاهی اوقات من خودم شبهه می کنم که شاید من بد فهمیدم، البته می نشینم بزرگان بیاید و لیکن حدیث خیلی دقیق

است انصافاً بینی و بین الله این نشان می دهد که احادیث عمار باید یک تجدید نظر کلی توش بشود

س: فقیهانه بهش نگاه بکند

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۷

جلسه: ۴

ج: خیلی و واقعاً هم فقاقت است واقعاً مرد دقیقی است نمی شود انکار کرد خب این حدیثی بود که امشب خواندیم که دیگر خودش برای فوائد چند شب خودش کفایت می کند

س: یعنی چند شب دیگر خبری نیست یک حدیث دیگر هم هست می خواهید بیاورید عشره اذروع ده ذراع که نماز بین القبور، توی اگر می خواهید عروه را هم بیاورید عروه در نماز در مقبره سه تا عنوان آورده اهل سنت یک عنوان آوردند قدمای اصحاب هم قائل اند الصلاة فی المقبره چون عن رسول الله نقل شده نهی عن الصلاة فی المقبره مقابیر این طوری اصحاب ما نوشتند صلات فی المقابر یک، دو صلات بین القبور،

س: عبارت مقنع توی نقلی که در مختلف دارد یک خرده متفاوت است و با روایت عمار شبیه است با اول روایت تو مقنع چاپ شده نیست ولی و قال فی المقنع و اعلم ان السهو الذی یجب فیه سجده السهو هو انک اذا اردت ان تقعد قمت

ج: این روایت عمار است

س: اما تو چاپ شده نیست این

ج: خب

س: و اذا اردت ان تقوم قعدت دیگر آن ذیل را ندارد قال و روی انه لا یجب علیک سجده السهو الا ان سهوت فی الركعتین الاخرتین

ج: هیچی دیگر

س: آن هیچی و روی عن سجدتی السهو تجب علی من ترک التشهد این هم باز تو چاپ شده نیست

س: ولی مختلف یک عبارتی از آن مقنع دارد که

س: زیاد کردیم بلی تو چاپ شده نیست

ج: این اگر باشد معنایش این است که سهو هم بلند شد برای ترک تشهد هم سجده سهو نه فقط برای تکلم این عبارت مقنع این است عبارت عمار این است که دیگر برای ترک تشهد سجده نمی خواهد

س: تو چاپ شده تو خود چاپ شده این است فان نسیت التشهد و التسليم فذكرته و قد فارغت مصلاک

ج: و قد فارغت مصلاک این همانی که قام، یعنی از مصلی در آمدی همان قام بلی

س: قام می شود یا این که

س: نسخه بدل صلاتک هم دارد

س: صلاتک که چیز دیگر است ولی مصلی که باشد یعنی از این جا رفت کنار

ج: خب همین دیگر کنار رفت یعنی بلند شد دیگر جدا شد

س: فاستقبل القبلة قائماً کنت او قاعداً و تشهد و سلم،

ج: معلوم می شود جلوس را نگرفته، این همان نکته ای که من عرض کردم می گوید تشهد و تسلیم قائماً می تواند انجام بدهد، عرض کردم روایت عمار،

س: خب جلوس کن بعد تشهد را انجام بده

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه‌شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۸

جلسه: ۴

ج: استقبال فقط دارد

س: استقبال، فاستقبل

س: فاستقبل القبله قائماً كنت او قاعداً و تشهد و سلم

ج: این همان نکته‌ای است که ما گفتیم

س: یکبار دیگر بخوانید این را

س: فان نسیت التشهد و التسليم فذكرته

ج: این همان نکته‌ای که این روایت عمار نسیان تسلیم است یا تشهد این می‌خواهد بگوید هر دو هم تشهد و هم تسلیم و این قعود در این تسلیم و تشهد این اساسی نیست ایستاده هم می‌شود انجام داد همین که گفتم از روایت عمار هم در می‌آید و ان نسیت التشهد و التسليم بلی بخوانید،

س: بلی

ج: و فارقت مصلاک

س: فاقت مصلاک ببینید از مصلايت جدا شدی این مثل قام که آن دارد

س: فاستقبل قائماً كنت او قاعداً

س: فاستقبل القبله

س: فيقضی البداء ایمانی

س: بلی

ج: فاستقبل القبله قائماً او قاعداً و تشهد و سلم، این روشن شد این همین روایت عمار به فهمی که بنده عرض کردم یعنی دیگر این قعود توش لازم نیست در صورتی که در روایات ما دارد که اگر رکعت سوم بود بنشیند تشهد بخواند معلوم می‌شود بین تشهد سوم، و دوم و آخر نماز فرق گذاشته اگر این باشد واقعاً خب باید قبول کرد که این مرد خیلی ملاست دیگر، یعنی این فوق العاده است نباید عادی باشد برای همین هم نوشته جماعه من العماري، عماري اصلاً جماعت داشته اصحاب داشته یکی از مذاهب شیعه حسابش کرد این انصافاً معلوم می‌شود فقیهی دقیق، فوق و اصلاً مشکل برخورد با روایات این شخص خیلی مشکل است، این جور فهمیدن عرض کردم من با جفر و استرلاب نیاوردیم، و الا این عادتاً به قول شما مکاشفه و الا عادتاً خب وقتی بزرگان شوخی نیستند این‌ها بزرگان اصحاب‌اند دیگر گیر کردند که چه کارش کند عبارت ایشان را،

س: حالا آن نسخه‌های یقوم و یقدم را هم نگاه می‌کنیم که ببینیم

ج: یقوم که اصلاً معنی نمی‌دهد قبل ان یقوم،

س: حالا هیچی نگوییم نسخه را چه کار کنیم؟

ج: خب عرض کردم مشهور که همین یقدم است اشتباه است، اشتباه نسخه،

س: این حدیث بعدی چه بود؟

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۲۹

جلسه: ۴

ج: عشره اذرع ببینید آقا در کتاب عروه می خواهید بیاورید اهل سنت یک عنوان دارند صلاة فی المقبره یا مقابر مرحوم عروه سه تا عنوان گذاشته صلاة فی المقبره مکروه است جزو اماکین مکروه است صلات بین القبور اصلاً این ها را عنوان داده مرادش این است که اگر فرض کنید یک صحرای شش تا قبر این ور است شش تا این ور مقبره هم نیست شما بین این قبور رو به قبله است نماز می خوانید این خودش کراهت دارد ولو مقبره نباشد صلات بین القبور خودش عنوان است، و صلات الی قبر واحد این هم خودش کراهت دارد دیدید،

س: بلی

ج: بخوانید

س: سئلته عن حدس السین الذی لایطرد

ج: الی، نه نه عبارت عروه آن وقت این صلات بین القبور منحصرأ مال عمار ساباطی است

س: الآن عبارت حدیث را می خواهید یا عبارتی؟

ج: نه عبارت عروه را بیاورید منحصرأ این صلات بین القبور ما نداریم صلات بالمقابر داریم اما بین القبور منحصرأ مال عمار ساباطی است شما می خواهید عروه یا شروع عروه را بیاورید دلیل را روایت عمار ساباطی گرفتند حالا بعد هم می خواهید عبارتش را بخوانید،

س: من عروه را پیدا نکردم تو این،

ج: تو عروه است چرا؟

س: بلی

ج: الصلاة بین القبور

س: حالا روایتش را پیدا می کنم

س: الآن آقا سید زودتر پیدا کند

س: من روایتش را پیدا کردم،

س: دوتا طالب معالم را باز

۵۰: ۶۸

باد آمد زد بهم صفحه را هرچه گشتند پیدا نکردند گفتند پاشو برویم فردا بیایم

س: من چون فقط عشره اذرع را زدم با قبور

ج: عشره اذرع هم دارد مال همین مال عمار است آن وقت عمار می گوید اگر عشره اذرع فاصله بود اشکال نه کراهت این را هم هیچ کس غیر از عمار نقل نکرده اصولاً عشره اذرع را ما دو جا در فقه داریم در روایات شیعه یکی نسبت به زن که اگر زن در دست راست یا چپ یا جلو بود عشره اذرع اشکال ندارد، این هم مال عمار است غیر از عمار کسی نقل نکرده یکی هم مابین القبور این هم مال عمار است غیر از عمار کسی نقل نکرده، این تقدیر به عشره اذرع هیچ یکی از روات ما نقل نکرده الا عمار ساباطی،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۰

جلسه: ۴

س: ده جزء که نماز خوانده نمی شود

ج: نماز مکروه است

س: مکروه ولی مرحوم مستمسک مرحوم حکیم لمرسل عبدالله ابن الفضل عن ابی عبدالله عشرة مواضع لا یصلی فیها

۵۵: ۶۹

و الماء و الحمام و القبور اما عشرة اذرع را نیاورده، القبور را دارد

ج: نه بین القبور و الصلاة بین القبور

س: اما عروه را پیدا نکردم بازهم

ج: چرا عروه اصلاً فصل فی الاماکن المکروهه در مکان مصلی عروه دارد

س: بین القبور تو صحیحه علی ابن یقطين هم هست، عن الصلاة بین القبور هل تصتح قال لا بأس

ج: این را من ندیدم، مال عمار البته عشرة اذرع که منحصرأ به عمار است بین القبور با عشرة اذرع منحصرأ به عمار است لیکن

روایت مشهور اهل سنت فی المقابر

س: بلی آقای خویی فرمودند سه دسته است یک دسته که لا بأس مطلقاً یکی این که شریطه عدم اتخاذ القبر قبله دسته سوم مایضمن

المنع الا اذا كان الفصل بعشرة اذرع، بعد فرمودند که این جا موثقه عمار است

ج: خب موثقه عمار را بخوانید، بخوانید همین حالا این نکته چون این بحث متن است نقد متن است حالا روایت عمار با عشرة،

۷۱: ۰

غیر از ایشان کسی نه در زن و نه در به اصطلاح قبور عشرة اذرع را ندارند غیر از ایشان

س: متن عروه را که فرمودید بخوانیم

ج: نه آقای خویی می آورند روایت بیاورند روایت عمار را بیاورند

س: چیز را عرض می کنم آن عبارت عروه عن امکنه المکروهه توی عروه ۱۵ حاشیه جلد ۲ صفحه ۴۰۰ عن امکنه مکروهه را که

شمرند الرابع و العشرون المقابر الخامس و العشرون علی القبر السادس و العشرون اذا كان القبر فی قبلته بعد فرمودند و ترتفع

بالحائط بعد السابع والعشرون

ج: چهار عنوان من گفتم سه تا چهارتا کرده،

س: بین القبرین من غیر حائل و یکفی حائل واحد من احد الطرفين و اذا كان بین قبور اربعة یکفی حائلان، احدهما فی جهة الیمین

و الیسار و الآخر فی جهة الخلف او الامان و ترتفع ایضا ببعد عشرة اذرع من کل جهة فی حلقة،

س: چهار عنوان

ج: چهار عنوان

س: چهار عنوان

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۱

جلسه: ۴

ج: من خیال می‌کردم سه عنوان است در بین اهل سنت و متون قدیم اگر بیاورید یک عنوان است مقابر، این‌ها یک عنوان بین القبور و عشرة اذرع را از روایت عمار گرفته حالا مال آقای خویی را بخوانید ذیل روایت عمار اصلاً روایت عمار را بخوانید اصلاً یک چیز عجیبی است متن خود روایت عمار خیلی عجیب است، بخوانید

س: کافی است؟

س: کافی

س: دارید؟

س: بلی دارم

ج: حالا تصادفاً افراد شیخ هم نیست،

س: من چشمم ضعیف است هم این جوری یک چیزهای دارم می‌بینم

س: ببخشید

س: بفرمایید

س: کافی جلد ۳ صفحه ۳۹۰، باب الصلاة فی الکعبه و فوقها الی آخره حدیث ۱۳ محمد ابن یحیی عن

ج: استاد ایشان عن عطار عن محمد ابن احمد همین نوادرالحکمه است لیکن توسط استادش قبول شده، که عرض کردیم نکته فهرستی دارد توسط مشایخ عن محمد ابن احمد عن احمد ابن حسن دیگر بقیه سند یکی است عن عمر ابن سعید عن مصدق ابن صدقه عن عمار ساباطی بفرمایید تمام سند یکی است واضح است دیگر

س: بلی همان، بلی عن عمر ابن سعید عن مصدق ابن صدقه عن عمار ساباطی عن ابی عبدالله علیه السلام قال

ج: دقت کنید

س: قال سئلت عن حد الطین الذی لایسجد فیه ما هو؟ قال اذا غرق الجبهه و

۲۳: ۷۳

علی الارض

ج: اذا غرق الجبهه شاید باشد جبهه را بگیرد و جبهه ثابت نشود خیلی خوب

س: و عن الرجل یصلی بین القبور

ج: این روایاتی یعنی عباراتی خود کتاب عمار خیلی لطیف است آشنایی ما با سبک کتاب ایشان لان الرجل

س: یصلی بین القبور قال لایجوز ذلک الا ان یجعل بینه و بین القبور اذا صلی عشرة اذرع من بین یدیه و عشرة اذرع من خلفه و عشرة اذرع عن یمینه و عشرة اذرع عن یساره ثم یصلی ان شاء،

ج: آقای خویی نوشته این فرض عجیب و غریبی است یعنی آدم نماز بخواند یک قبر پنج متر حالا عشرة اذرع پنج متر یک قبر دست راست پنج متر یک قبر دست چپ پنج متر یک قبر مقابل پنج متر، یک قبر پشت سر پنج متر،

س:

۱۴: ۷۴

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۲

جلسه: ۴

ج: یعنی چه؟

س: تو قبرستانی

ج: آقای خویی نوشته این حرف عجیبی است این تصویر این که یک جایی

س: دوتا حائل کفایت می کند

ج: حائل این حائل را مرحوم صاحب عروه اضافه کرده حائل یعنی اگر فرض کنیم فاصله نیم متر باشد یک دیوار کشیده قبر آن ور است این اشکال ندارد این پنج متر نمی خواهد اگر این حائل را صاحب عروه رو قواعد اضافه کرده، دقت فرمودید حائل رو قاعده اضافه کرده اما اگر حائلی نبود یک قبر پنج متری یک قبر پنج متری این طرف یک قبر پنج متری در مقابل یک قبر هم پنج متری عقب، حالا عجیب این است مرحوم آقای تستری یکی از روایات شاذ عمار همین را آورده نوشته دارد که پنج متر از عقب و لم یقول به احد، باب خب دست راست و چپ را هم کسی نگفته نه این که فقط عقب و عجیب است کلمه پنج متر فقط عمار تو روایت زن هم آورده و در روایت قبور در جایی اصلاً هیچ راوی ما نداریم ده، آیا این استظهار خود عمار بوده مثلاً امام فرموده فاصله داشته باشد این فاصله را گفته پنج متر،

س: اگر این باشد نماز در بالای سر هم مکروهه

ج: دقت کردید چه می خواهم بگویم

س: کاشف الغطاء یک حاشیه زده گفته الا قبور معصومین

س: معصومین کاشف الغطاء خیلی چیزهای

س: یعنی آقا پنج متر ندارد روایت ندارد پنج متر

ج: هیچ جا نداریم همین دوتا داریم آن هم مال عمار است

س: آقای خویی را بخوانم

ج: بخوانید

س: بلی در ایشان این سه دسته را آوردند توی کتابی حالا؟

ج: مستند

س: بلی صفحه جلد ۲ صفحه ۲۲۲ بعد فرمودند و المشهور حملوا النهی بالاخره همین روایت عمار علی الکراهه جمعاً بین و بین النفی البأس الثابت فی اولتین علی اختلاف مراتب الکراهه من حیث استقبال القبر و عدمه ولكن صاحب الحدائق خص الجواز بماعدی صورۃ الاستقبال فانتزع بالتحريم فی هذه الصورة بعد استثناء قبول الائمة لما یرتعه من ان ذلک هو مقتضى الجمع بین الطائفتین الاولیین حملاً للمجمل علی

ج: خب این هیچی کیفیت جمع بین خیلی خوب باشد

س: و هو كما ترى اذ قلّ ما يوجد مکان فی مابین القبور لایکون القبر مستقبله للمصلی،

ج: بین القبور یعنی نماز بین القبور نه نماز الی قبر

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۳

جلسه: ۴

س: فیلزم حمل المطلق على الفرد النادر فلا مناص من التعميم مع تأكد الكراهة في هذه الصورة كما عرفت الا ان يراد من اتخاذ القبر قبلة استقبالها بدلاً عن الكعبة المشرفة كما قد يفعله بعض الجهلة بالنسبة الى قبور الائمة فتتجه الحرمه في هذه الصورة، حالاً نمی دانم بخوانم

ج: نه راجع به خود روایت پنج متر چب و راست

س: بلی و اضعف منه تعلیل الاولیین بالآخره لیتج اختصاص الجواز بما اذا كان البعد من كل جناب عشرة اذرع اذ لازم ذلك ابتعاد كل قبر عن غيره عشرين ذراع على الاقل و حيث يكون احدهما اجنبياً عن الآخر

ج: این بیست ذراع آن هم مجموعاً دوتا با همدیگر

س: و من البین ان افترض ذلك

ج: ان فرض ذلك

س: ان افترض ذلك بالمقابر العامه و المواضع المتخذة مقبرة للمعتاد كوادى السلام و نحوه التی هی المنصرف من النصوص الامقام من البعد و الندرة بمكان

ج: می گویم چیزی خیلی کم است پنج متر این ور قبر باشد پنج متر این ور پنج متر جلو پنج متر هم پشت سر

س: و كيف يمكن حمل المطلقات على هذا الفرد النادر الذي يکان لا يصدق على مثله عنوان الصلاة بين القبور

س: حالاً دیگر بین قبور نیست دیگر،

ج: حالاً این مراد روایت چه است آقای خویی هم کم لطفی فرموده

س: مگر این که بگوییم که نسائی ها یک طرف

ج: حلش فردا شب

س: فرمودند که و من ثم حمل بعضهم ان يكون الاستثناء في الموثقة من قبيل المنقطع

س: جامع المقاصد به خاطر چیز حمل بر کراهت کرده دیگر به خاطر

ج: حالاً یک نکته اساسش این است خوب دقت بکنید آقا،

س: بین القبور نبود که

س: بین القبور نبود بلی بلی

س: اصلاً بیرون از متن است

ج: یک نکته اساسی غیر از این جهت فقهش هم این است اگر روایت عمار را قبول کنیم، مخصوصاً اگر بگوییم ایشان امام فرمودند

چون نمی شود امام آخر یک نکته دیگر را هم من زمینه را عرض بکنم یک اصطلاحی دارند اهل سنت که قیاس می کنند مع ذلك

خود احناف هم می گویند جای که تقدیرات شرعیه باشد جای قیاس نیست باب اروش باب دیات باب تقدیرات این جا جای قیاس

نیست اصطلاحی دارند که تقدیرات توقیاتی، توقیعی یعنی اگر گفت پنج متر همان پنج متر دیگر نمی توانیم جای دیگر ببریم اصلاً

این کل،

س: اهل سنت می گویند کلاً عبادات،

ج: نه تقدیرات غیر از عبادات مثل پنج متر مثلاً دیه پنج تا شتر این دیگر قابل قیاس نیست این‌ها یک اصطلاحی دارند که این‌ها توقیفی، تقدیرات همیشه تقدیرات به اصطلاح حالا اگر ما بگوییم که اصلاً امام فرموده بودند به ایشان چون نمی‌شود این تقدیرات باشد فقط به عمار گفتند هیچی به هیچ کس دیگر نگفته باشند خیلی بعید است اصلاً عجیب و غریب است خب یک فرض این است که امام گفتند فاصله باشد ایشان فاصله را به پنج متر زده مخصوصاً زن زن پنج متر دست راست پنج متر دست چپ باشد، س: آن هم بعیده از خودش در آورده باشد

ج: خب نمی‌شود چه کارش بکنیم آن وقت اگر حالا بحث سر این است ما در یک جاهای نماز مکروه است آن وقت رفع کراهت هم نوشتند بگوییم چه جاهای که رفع کراهت نوشتند یا ننوشتند همین مطلب را هم آن‌جا بگوییم یعنی روایت عمار را، مثلاً مکروه است عکس مقابل آدم باشد عکس تصویر خب رفع کراهت هم بپوشاندن است این خیلی

۳۳: ۸۰

پارچه می‌اندازیم می‌پوشانیم خب می‌شود پنج متر فاصله بده بگوییم عکس را پنج متر آن طرف‌تر بگذارد با این‌که رفع کراهت در روایت دارد که تقطیع به اصطلاح تصویر دقت کردید چه است نکته، اگر ما پنج متر را به عنوان استظهار ابتعاد عرفی فاصله عرفی گرفتیم

س: کالحائل گرفتیم

ج: کالحائل گرفتیم مثلی که مرحوم سید حائل گرفت پس شما تصویر را برای رفع کراهت یا روش را بپوشانی یا پنج متر فاصله بدهید ندارند آقایون ما فتوی ندارند این اشتباه نشود ما جاهای داریم که باز در آن‌جا تقدیر نیامده مثل این‌که انسان نماز بخواند و به اصطلاح در قبله‌اش حائط نیز من البالوعه که از مکان آب‌های فاسد این حائط تر شده

س:

۲۹: ۸۱

مکروه

ج: مکروه است درست شد آن‌جا ندارند که زوال کراهت به چه است ظاهرش این است که اصلاً مقابلش نباشد می‌شود آن‌جا هم بگوییم پنج متر

س: باب مفتوح هم همین طور است

ج: بگوییم پنج متر جاهای که ندارد، خب روشن شد من دو مثال فقهی زدم چون یک جاهای زوال کراهت دارد یک جاهای زوال کراهت ندارد حالا می‌خواهید این بیست و چهار، بیست و پنج بود تمام این ابواب را نگاه کنی نوشته و تزول الکراهه جاهای هم ننوشته و تزول الکراهه، ما بیا بگوییم آنجاهای که تزول الکراهه به پنج متر هم تزول الکراهه آن‌جاهای هم که در روایت ندارد تزول الکراهه به پنج متر این روایت عمار را روشن شد چه می‌خواهم بگویم چون روایت عمار در دو مورد است یکی صلات بین القبور است یکی هم با زن، دیگر جای دیگر هیچ دیگر هم غیر عمار نیاورده، خیلی عجیب است این مطلب،

س: پس من روایت زن را هم بخوانیم

ج: میل خودتان بخواید دیگر من خسته شدم

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۵

جلسه: ۴

س: نه هنوز اجازه بدهید این را قرار است استاد حلش کنند فردا

س: می خواهید بخوانید روایت زن را بخوانید

س: تقدیرات را بخوانم

س: روایتش را بخواند

س: روایتی که همان عشره اذرع است

س: بلی من قبلش جساراً عبارت همین تقدیرات را بخوانم امام الحرمین جوینی توی البرهان گفته مسأله نقل اصحاب المقالات عن اصحاب ابی حنیفه انه لا یرون اجراء القیاس فی الحدود و الکفارات و التقدیرات و،

ج: عرض کردم این اصطلاحی است که این تقدیرات اصطلاحاً توقیفی است نمی شود با قیاس درستش کرد

س: و کل معدول به عن القیاس و تتبع الشافی مذاهبهم و ابان انهم لم یفوا بشئ من ذلك

ج: می گوید این ها می گویند اما عملاً انجام نمی دهند دروغ می گویند در فقه که می رسند خراب می کنند اما این هست حالا می گوید امام شافعی نباید امام شافعی باشد یکی از بزرگان شافعی است

س: خود شافعی است

ج: عجیب است نشنیده بودم علی ای حال این که خود امام شافعی آمده مشکلات احناف را دیده این را من نمی دانستم اصلاً نمی دانستم حالا عبارت را ایشان خواندند چرا شوافع آمدند اشکال کردند به ابوحنیفه همین اشکال که از نماز با آن خارج شد دیگر، چون جلو آن گفت نماز بخوان، گفت به مبنای ابوحنیفه به سلام که رسید یک بادی ول کرد گفت این را ابوحنیفه گفته با منافی از نماز خارج می شوی این معروف است دیگر که «آ خیلی ناراحت شد و آن، خود احناف چقدر جواب دادند از این، اصلاً خود احناف از این نماز جواب دادند که بی خود این حرف را زده حالا من نمی خواهم وارد بحث های چیز است اما این عبارت ایشان خیلی عجیب است، اما پس معلوم می شود نقل من هم درست است من تو ذهنم این بود که این احناف با این که قیاسی اند در تقدیرات به قیاس مراجعه نمی کنند،

س: بلی آن مثالی هم که به عنوان نقص شافعی گفته، گفته و اما المقدرات فقد قاسوا فیها و مما افحش فیها تقدیراتهم بالدلو و البئر من غیر ثبت و استناد الی خبر

ج: من غیر ثبت باید باشد

س: بلی این از،

ج: به نظرم آقای مختاری هم کتاب شان ثبت بالمصادر است من غیر ثبت دلیل یعنی علی ای حال این یک مسأله ای است که هم جنبه فقهی دارد و اصلاً معنای این روایت یعنی چه؟ پنج متر از دست چپ پنج متر از دست راست ایشان می گوید بناش این است که صلاة فی المقابر مکروه باشد مگر این فرض این فرض که فوق العاده نادر است پنج متر دست راست پنج متر دست چپ پنج متر مقابل پنج متر پشت سر

س: خب نخواند دیگر

ج: آه،

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه‌شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۶

جلسه: ۴

س: نخواند دیگر

س: همان می‌شود که لاصلاة بین القبور یعنی عملاً می‌شود لاصلاة بین القبور دیگر

ج: ابن حزم هم قائل است که در حمام و این‌ها نماز باطل است خب با همان موافق شدیم نعم الوفاق بفرماید آقا

س: این عبارت مال من، عشرة اذرع نیست انگار

ج: چرا آن‌هم عشرة اذرع است در زن هم عشرة اذرع است آن وقت دقت فرمودید آن نکته فنی مثلاً مقابل دیوار پنج متر فاصله

بگیرد بگوییم تزول الکراهة چون آن در روایتش نیامده این همانی که می‌گویند قیاس بکنیم در تقدیر اگر بگویید قیاس قائل بشویم

بگوییم چطور امام گفت در قبور پنج متر پس در دیوار هم پنج متر پس در تصویر هم پنج متر،

س: این توی از ابی بصیر است که بینهما شبر او ذراع

ج: داریم داریم شبر هم دارد ثلاثة اشبار هم داریم ذراع یعنی دو شبر اصطلاح بود در آن زمان ذراع دو و جب هر ذراع دو و جب

و جب هم حدوداً بیست و سه سانت هر ذراعی چهل و شش سانت،

س: روایت خمسة هم داریم حاج آقا خمس اذرع هم به نظرم داشته باشیم

ج: عشرة اذرع در زن مال عمار ساباطی، نه کمتر داریم

س: برای زن

ج: برای زن کمتر هم داریم آن وقت توجیه شده آن‌ها توجیه شده

س: بلی ایشان مرحوم شیخ طوسی شش روایت آوردند با همین مضامین واحد تو خبر هفتم تو استبصار جلد یک صفحه ۳۹۹

فرمودند فاما ما رواه محمد ابن احمد

ج: همین صاحب نوادرالحکمه

س: عن احمد ابن الحسن الی آخرش بلی

ج: عن احمد ابن الحسن هم ابن فضال عن عمر ابن سعید همین،

س: فتحیه

س: عن الفتحیه

س: عن عمار ساباطی عن ابی عبدالله انه سئل عن الرجل يستقم ان یصلی بین یدیه امرته تصلی قال لا یصلی حتی یجعل بینه و

بینها اکثر من عشرة اذرع،

س: این فقط ایشان دارد هیچ کس دیگر نگفته،

س: دیگر چه گفتند

ج: هیچی ننوشتند، نوشتند آقای خویی که می‌گوید مطلقاً جایز است

س: قال عمار قال این می‌گوید

متن کامل مطابق با صوت دروس حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

سه شنبه: ۲۰۲۲/۰۸/۳۰ - ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

موضوع: سلسله مباحث نقد متن حدیث

صفحه ۳۷

جلسه: ۴

ج: حالا این می گویم یک مشکل در این جا می شود فهمید که حالا فرض کنیم قال امام باشد اما در آن روایت معنایش اصلاً مشکل است من این را نگفتم عشره اذرع بعد هم یمینه و یساره آن را هم دارد آخر،

س: بلی

ج: بخوان کامل

س: بلی و ان کانت عن یمینه او یساره جعل بینه و بینها مثل ذلک

ج: عشره اذرع

س: و ان کان تصلی خلفه فلا بأس و ان کان

ج: حالا نکته فنی را چون آقای خویی و این ها ملتفت نشده نکته فنی در عبارت عمار این است من فردا شب شرح می دهم عمار می خواهد بگوید اگر زن بود چه مقابلش چه دست راست چپ پنج متر فاصله اما زن پشت سرش اشکال ندارد اما قبرستان بود از هر چهار جهت پنج متر فاصله،

س:

۴۷: ۸۷

جمع بشود هر چهار تا

ج: خیلی عجیب است این فتوی یعنی اگر این جا مقبره هست می خواهد جلو نماز بخواند که مقبره پشت سرش است پنج متر برود جلو دست راستش هم پنج متر فاصله بگیرد چپ هم پنج متر فاصله بگیرد پشت سر مقبره هم باشد پنج متر فاصله بگیرد، بین زن و بین خیلی لطیف است حالا فتوی باشد یا نه؟ آقایون که ملتفت نشده گفت فرد نادر است فردا شب شرح می دهم مراد ایشان از این عبارت این است فرق بین مقبره و زن را در این می گذارد در زن پشت سر بود یک وجب هم لازم نیست،

س: مگر این که اگر لباسش بهم بخورد پشت سرش باشد زن

ج: دقت کردید

س: بلی و ان کانت تصیب الثوب

ج: این قدر نزدیک پشت سرش است اشکال ندارد، یعنی اگر این جا مقبره است می خواهد نماز بخواند از آخرین قبر پنج متر فاصله بگیرد دست چپ هم همین طور پنج متر فاصله بگیرد قبر قبرستان جلوش است پنج متر عقب بیاید پشت سرش هم قبرستان است پنج متر جلو برود این ها ملتفت نشدند مراد عمار این است و این فرض نادری نیست که آقای خویی فرمودند خیلی عجیب است عبارت عجیب و غریب یعنی عرض کردم بحثی یک دفعه فتوی است یک دفعه متن است، اصلاً متن را این جور فهمیدن می گویم مثل آقای خویی گیر کردند فرمودند این اصلاً فرض نادر، این فرض نادر نیست عمار می خواهد بین زن و بین قبرستان فرق بگذارد در قبرستان باید فاصله بگذارد از چهار جهت، در زن از سه جهت و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.